

«بررسی حقوق اولیه متهم در بازداشتگاه اوین با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال ششم)
شماره ۲۲ / زمستان ۱۳۹۹ / ص ۴۵-۱۵

مجتبی حرّی^۱

^۱ دکتری حقوق جزا و جرم شناسی

نویسنده مسئول:

مجتبی حرّی

چکیده

زندان اوین، یکی از مشهورترین زندان‌های ایران است. این زندان در منطقه اوین درکه در منطقه سعادت‌آباد، تهران قرار دارد. یکی از معماران زندان اوین امیر نصرت منقح بود. ساخت این زندان در زمینی به مساحت ۴۰ هکتار از دهه ۱۳۴۰ آغاز شد و در سال ۱۳۵۰ افتتاح شد. زندان اوین امروزه رسماً عنوان بازداشتگاه موقت را دارد. افراد متهم در این بازداشتگاه عموماً از اقشار سیاسی، مذهبی، ورزشی سرشناس جامعه می‌باشند. این بازداشتگاه دارای چندین بند می‌باشد. برخی از بندهای این زندان زیر نظر قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران نبوده و توسط سایر نهادها اداره می‌شود. بندهای ۲۰۹ و ۲۴۰ این زندان که دارای سلول‌های انفرادی و چند نفره (موسوم به سوئیت) است در اختیار وزارت اطلاعات است. و بند ۲ الف آن زیر نظر سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد. تردد و حضور زندانیان سیاسی خارج از سلول‌ها فقط با داشتن چشم‌بند ممکن است. در پژوهش حاضر با موضوع «بررسی حقوق اولیه متهم در بازداشتگاه اوین» که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده به بررسی حقوق متهم در بازداشتگاه اوین پرداخته است. بدین لحاظ، هر متهم در ابتدای ورود به بازداشتگاه دارای حقوق اولیه و یکسانی است که هر متهمی باتوجه به اصل کرامت انسانی و اصل برائت از آن برخوردار می‌باشد. از ادوار گذشته تاکنون قانونگذار کیفری در انشاء قوانین شکلی دو هدف عمده یعنی تأمین نظم عمومی و تأمین منافع و حقوق متهم را مدنظر قرار داده است. برای حسن جریان دادرسی کیفری، تضمین حقوق متهم، رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و آسایش حقوقی شهروندان هر روز نظریه‌های جدیدی در این شاخه مهم از علم حقوق پا به منصفی ظهور می‌گذارد تا دستگاه عدالت در کنار تأمین نظم عمومی و مصالح اجتماع بتواند بیگناهان را از تعقیب و مجازات برهاند. با عنایت به مطالب مطروحه یکی از محدودیت‌های این پژوهش عدم بهره‌مندی نگارنده نسبت به مطالب جامع و کامل در خصوص حقوق متهم در بازداشتگاه اوین می‌باشد. که امید می‌رود محققان بیشتری در این زمینه همت گمارند.

واژگان کلیدی: زندان - بازداشتگاه اوین - متهم - حقوق اولیه - قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲

مقدمه

زندان، ندامتگاه، بازداشتگاه، دار التأدیب و مفاهیم مترادف با آن به مکانی اطلاق می شود که اشخاص از نظر فیزیکی، محدود و معمولاً از آزادی های شخصی محروم می شوند. زندانها به طور قراردادی، سازمان هایی هستند که بخشی از نظام قضائی یک کشور محسوب می شوند و به منظور اجرای کیفر حبس، به عنوان یک مجازات قانونی که به صورت حکم از سوی دادگاه صادر شده است، به دلیل ارتکاب جرم بکار می روند. این مفاهیم از نظر قانون رسمی کشور با هم متفاوتند، واژه زندان به معنی محل نگهداری محکومان قطعی است اما بازداشتگاه ها ویژه نگهداری اشخاص در انتظار محاکمه اند. در زبان پهلوی زندان، ارمنی زندن، اوستی زیندون به معنی محبس، یا جایی که گناهکاران را در آنجا توقیف شوند بیان شده است.

در آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در تعریف زندان آمده است: زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامات قضایی صلاحیت دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دایم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی نگه‌داری می شوند. در همین آیین نامه بازداشتگاه اینگونه تعریف شده است: بازداشتگاه، محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقام‌های صلاحیت دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می شوند. (مصوب ۱۳۸۶/۹/۲۰)

از دیدگاه حقوقی زندان تعارضاتی با حقوق شهروندی دارد و همین امر باعث شده است تا حقوق دانان و اندیشمندان اجتماعی در کارایی و مشروعیت زندان شک کنند. برخی از این تعارضات همچون تعارض زندان با آزادی های عمومی، تعارض با اصل شخصی بودن جرم و مجازات، تعارض زندان با حق تشکیل خانواده و تعارض زندان با بهره مندی از حمایت دولت و مانند آن مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. مجازات حبس و زندانی شدن از ابعاد مختلف مورد انتقاد قرار گرفته و صاحب نظران به دنبال ارائه ی راهکارهایی برای جایگزینی آن بوده اند تا مجازاتی را اعمال کنند که علاوه بر نقش تأدیبی و عبرت آموزی واقعی، بتواند فرد بزهکار را تحت آموزش قرار داده، افکارش را اصلاح کرده و او را برای بازگشت به زندگی صحیح و سالم هدایت کند. (حقوق شهروندی، ۱۳۹۱)

در ازای عمر زندان و تعلیم زندانیان را به اندازه ی عمر بشر دانسته اند، اما در دوره هایی دچار کثرت و گاه دچار قلت بوده است. در کتب تاریخی و دینی از زندان و حبس سخن به میان آمده است. داستان یوسف نبی علیه السلام از شواهدی است که می توان ارائه کرد. او را به خاطر تهمت ها سال ها در زندان عزیز مصر نگه داشتند. در برخی از دوره ها به عکس زندان که مجازاتی برای روح و آزادی انسان است مجازات های جسمی بیشتر بوده است. البته جزای حبس منسوب به آمریکایی هاست. جمهوری خواهان آمریکایی، پس از استقلال از استعمار انگلیس در ۱۷۷۹ و صدور اعلامیه ی استقلال، اعلام کردند: «اعدام و کیفرهای بدنی، فرزند نامشروع حکومت های سلطنتی است» و در حکومت ما جایی برایش وجود ندارد. از طرفی، از آنجا که جامعه ی آمریکا بزرگترین آزادی ها را به شهروندان می بخشد، در آن جامعه، سلب آزادی، مجازاتی کمتر از اعدام نخواهد بود. اما علیرغم این سابقه ی طولانی، مجازات زندان نتوانسته است اهداف سیاست جنایی را (که عمدتاً پیشگیری از وقوع جرم و باز اجتماعی کردن مجرمان است) تأمین کند. چراکه انتقاداتی که چه بر اصل زندان و چه بر وضعیت کنونی زندان ها وارد است، باعث شده است که زندان به کانونی برای اصلاح و تربیت مجرمان بدل نشود.

حقوق دانان کلاسیک آموزشهای محیط زندان را اغلب مخرب دانسته اند. به زعم حقوقدان مشهور رومی، اولین، زندان برای نگهداری و نه برای کیفر دهی مناسب است. پند اولین به عنوان مانیفست زندان زدائی، تا سال ها مدنظر حقوقدانان و قضات در اروپا بوده است. اما باید ریشه های زندان به عنوان یک کیفر را در تأسیس دادگاه های تفتیش عقاید جستجو کرد. (مکی، ۱۳۵۷: ۵۶)

بسیاری از صاحب نظران علم حقوق و علوم اجتماعی مخالف بکارگیری مجازات زندان هستند به زعم آنان محیط زندان کمترین اثر را بر هدایت افکار زندانیان و کاهش تمایل به ارتکاب جرایم را دارد. آنها آموزشهای رسمی زندانیان را کم اثر می دانند. آنها مدعی اند در خیلی از موضوعات، آموزش در محیط زندان محصولی بهتر از «تبهکاران تحصیلکرده تر» در بر نخواهد داشت. برخلاف این دیدگاه، برخی دیگر نشان داده اند که آموزش زندانیان موجب کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان آنها خواهد شد. به عنوان نمونه پژوهشی که توسط اداره زندانهای فدرال ایالات متحده، در این زمینه صورت گرفت مشخص شد برنامه های موفق آموزشی در طول ۶ ماه حبس با کاهش نرخ تکرار جرم همراه بوده اند. معروف ترین سازمانهایی که در زمینه آموزش در زندان فعالیت می کنند عبارت اند از CEA و EPEA انجمن اروپایی آموزش در زندان است. (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۶)

ناکارآمدی زندان و آموزشهای محیط آن در ایران دارای سابقه نسبتاً طولانی است تا آنجا که امیر کبیر در سال ۱۲۹۹ ه.ق. با صدور فرمانی اقدام به لغو شکنجه و سرو سامان دادن به اوضاع زندان ها و زندانیان نمود که این اقدامات چندان دوامی نداشت. میرزا حسین خان سپهسالار اقداماتی جهت انسانی کردن زندان ها و آموزشهای محیط زندان صورت داد. در میان این اقدامات کنت دومون فورت اولین رئیس پلیس تهران توانست اقدامات عمده ای را در دوران پس از وقوع انقلاب مشروطه به وجود آورد. در ۲۱ مهر ماه سال ۱۳۹۷ اولین آیین نامه زندان ها با توجه به اصول علم زندانی ها نسبت به کانون اصلاح و تربیت به تصویب رسید. پس از انقلاب اسلامی مجازات زندان

بنابر شرایط کشور افزایش یافت و جمعیت زیاد زندانیان و کمبود امکانات موجب کم توجهی به نقش آموزش‌های رسمی و غیر رسمی در محیط زندان شد. مقایسه آماری جمعیت زندانیان ایران و جهان نشان می دهد در ایران به ازای هر یکصد هزار نفر ۱۹۹ زندانی وجود دارد. این آمار در جهان به ازای هر یکصد هزار نفر ۱۶۶ زندانی و در آسیا ۸۹ زندانی است. این آمار در مقایسه با استاندارد جهانی ۵۰ نفر بالاتر است. (قلعه دار، ۱۳۹۶)

از اینرو انسان ها در قبال تکالیفی که در مقابل خدا و خلق خدا دارند، دارای حق و حقوقی نیز می باشند. به عبارت دیگر، زندگی اجتماعی برای افراد تکالیفی در مقابل یکدیگر به وجود می آورد و در مقابل آن حقوقی نیز به وی اعطا می کند؛ مثل حق داشتن آزادی عقیده، آزادی بیان، حق داشتن شغل، مسکن و...

متهمان نیز به واسطه انسان بودن و کرامت انسانی، همانند سایر افراد دارای حقوقی می باشند؛ از قبیل داشتن حق سکوت، حق دفاع، حق داشتن وکیل، حق دادرسی عادلانه و...

این حقوق ریشه در کرامت ذاتی انسان ها دارد و آن را کسی اعطا نکرده است تا آن را سلب نماید. انسان به واسطه انسانیت دارای این حقوق می باشد و قابل سلب حتی از ناحیه خودش نمی باشد و برای به دست آوردن آنها بشر قرن‌ها تلاش کرده تا توانسته قوانینی وضع نماید که این گونه حقوق وی از ناحیه قدرت‌ها پایمال نشود.

در قانون اساسی ایران و همچنین قانون آیین دادرسی کیفری و قانون حقوق شهروندی تا حدود زیادی، این حقوق با تکیه بر کرامت انسانی تأمین شده است. ضمن اینکه اصل قانون مداری، مظهر کرامت انسانی در جامعه مدرن است و نظام حقوقی که در قلمرو حقوق کیفری اصل مذکور را مراعات نکرده باشد، نمی تواند مدعی رعایت کرامت انسانی باشد.

حقوق متهم به عنوان عضوی از شهروندان جامعه از الزامات فرایند کیفری است و توجه به این حقوق از ابزارهای حفظ کرامت انسانی و نهادینه کردن حقوق شهروندی در جامعه است. در نظام کیفری ایران به دلایل مختلف در گذشته، اقدامات مؤثری در جهت حفظ و رعایت حقوق متهم آنچنان که بدان توجه می شد، صورت نگرفته بوده اما در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مقرراتی در جهت رفاه حال متهم پیش بینی شده است.

حقوق متهم در مرحله پیش دادرسی از پیچیدگی و ظرافت خاصی برخوردار است. حفظ حقوق متهم در این مرحله باعث ایجاد ارتباط تنگاتنگ نظام کیفری و حقوق اجتماعی می شود؛ زیرا حفظ این حقوق در جهت حفظ کرامت و جایگاه اجتماعی متهم در قانون و اجتماع است و از تخریب شخصیت و جایگاه والای انسانی افراد جلوگیری می کند. در تمام دنیا در روابط اجتماعی سالم اصل بر حفظ حیثیت و شأن اجتماعی افراد است، اما نگرانی از زمانی آغاز می شود که پاره ای از ارزش های منفی در جامعه توسط ضابطان و مجریان قانون رواج پیدا می کند که در نتیجه آن از یک طرف حیثیت و کرامت افراد متهم که هنوز در پناه اصل برائت قرار دارند و از طرف دیگر مشروعیت و مقبولیت نظام حاکم به مخاطره می افتد. در این پژوهش قصد داریم به حقوق متهم در بازداشتگاه اوین با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ پرداخته می شود.

مطالب این پژوهش با توجه به عنایت به عنوان مورد پژوهش در دو بخش تقسیم بندی شده است که در بخش اول به طرح مطالب مرتبط با بازداشتگاه اوین پرداخته شده و در بخش دوم به بررسی حقوق اولیه متهم در بازداشتگاه اوین با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ پرداخته شده است. که در ابتدا به طرح مطالب مرتبط با زندان اوین که (بازداشتگاه) نام گرفته است می پردازیم.

بخش اول: بازداشتگاه اوین

۱) مفاهیم و تاریخچه

۱-۱) مفاهیم مجازات، جرم، زندان

۱-۱-۱) معنای لغوی مجازات و جرم

معنی لغوی مجازات پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی است و مکافات. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲۳۶) در اصطلاح حقوقی مشقتی که مقنن تحمیل به مجرم می کند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۹: ۱۳۴) در تعریف مجازات آورده اند: «مجازات یعنی تنبیه و کیفری که بر مرتکب جرم اعمال می شود. که مجازات توأم با رنج است». گارو درباره مجازات می گوید: «مجازات رنج و ضرری است که مورد حکم مقامات قضایی علیه مجرم واقع می شود و منظور آن جبران خسارتی است که از عمل مجرم به جامعه وارد شده است». (مجیدی بیدگلی و صفاکیش کاشانی، ۱۳۸۹) همانگونه که نفس زندان و زندانی کردن نوعی مجازات محسوب می شود. به همین صورت دو مفهوم مجازات و جرم درهم تنیده شده اند.

حقوق دانان معتقدند که نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می شود. (تاج زمان، ۱۳۸۶: ۳۶)

۲-۱-۱) مجازات از دیدگاه حقوقی (حقوق جزا)

حقوق پدیده ای اجتماعی است که در کنار تحولات و تکامل جوامع بشری متحول شده و روبه رشد و تکامل بوده است. حقوق جزا نیز که شاخه ای از حقوق است که در طول دوران تکامل یافته، به طوری که از دوران انتقام شخصی و داگستری خصوصی به داگستری عمومی و عصر جدید و مکاتب حقوقی ترقی پیدا کرده است. مکتب کلاسیک اولین گام برای تحول عظیم حقوق جزا از دوران باستان به دوره جدید می باشد. به طور کلی دو عامل در پیدایش این مکتب نقش داشته است. یکی تحولات اجتماعی و انقلاب کبیر فرانسه که در طی آن افکار و عادات و رسوم مردم متحول شده بود. عامل دوم که نقش اساسی دارد افکار و اعتقادات اندیشمندان آن دوره و انتشار آن در جوامع بود؛ که تأثیر بسزایی در آگاهی مردم و تشویق آنان بر مخالفت با نظام کیفر قدیم و شدت مجازاتها داشت.

مونتسکیو در کتاب خود با عنوان «روح القوانين» توصیه هایی در مورد مجازات دارد. او می گوید: مجازات باید معتدل و حتمی، متناسب با بزه و مثل جرایم در قانون پیش بینی شده باشد. (رحیمی نژاد، ۱۳۸۰: ۳۰) مجازات از نگاه مونتسکیو چنان است که با وضع تمدن و سلوک تمدن ها تغییر می کند. افزون بر این، از نگاه وی تعیین مجازات همواره باید عامل برقراری نظم باشد و بزهکاران از رهگذر میزان عادلانه پاداش ها و مجازات ها اصلاح و باز اجتماعی شوند (بریث ناچ، ۱۳۷۸: ۳۰۶)

خمیر مایه اصلی مجازات جرم است و جرم عبارت است از: «هر فعلی که قانون آن را ممنوع اعلام کرده و فاعلش را مستحق مجازات دانسته است یعنی در واقع، جرم (جنایت عبارت است از زیر پا گذاشتن قوانین جزایی.» (جولیوس گولد ویلیام کولب، ۱۳۷۹: ۳۲۰)

۳-۱-۱) انواع مجازات

جهت اعمال مجازات از روشهای مختلف می توان بهره گرفت. مجازات ها بر اساس اعتبار موضوع و خصیصه های آن به چهار دسته تقسیم بندی می شوند:

الف: مجازات بدنی مانند مجازات اعدام و دیگر تنبیهات بدنی که به نوعی به مرتکب جرم، آسیب ها و ضررهایی را وارد می سازد.
ب: مجازات های محدود کننده آزادی. در این نوع مجازات ها آزادی به طور کامل سلب نمی شود؛ ولی قانون گذار آن را محدود می سازد. مثل: اقامت اجباری در محلی معین.

ج: مجازات های سالب حق. منظور از مجازات های سلب کننده حق مجازات هایی است که شخص محکوم برای مدتی از داشتن حقوق اجتماعی محروم می شود.

د: مجازات های مالی. منظور مجازات هایی است که بر اموال و دارایی مرتکب جرم اعمال می شود. مثل: ضبط و توقیف اموال وی
ی: مجازات سالب آزادی مانند مجازات حبس که گاهی موقت است و گاهی دایم. حبس موقت حبسی است که مدت زمان آن برای مرتکب جرم معین است و حبس دایم حبسی است که محکوم تا آخر عمرش آن را تحمل می کند. (مجیدی بیدگلی و همکاران، ۱۳۸۹)

۲-۱-۲) فلسفه زندان

عشق انسان به آزادی، از عشق سوزان او به تکامل و پیشرفت سرچشمه می گیرد، چراکه هیچ موجودی در اسارت نمی تواند به سیر تکامل خود ادامه دهد، حتی حیوانات، از قفس رنج می برند، هر چند تمام وسایل زندگیشان در آنجا فراهم باشد، و آزاد شدن از قفس را بر اسارت ترجیح می دهند، هر چند در بیرون قفس، انواع خطرات آنها را تهدید کند. به همین دلیل، جاندارانی که در قفس اسیرند، نه شوری در سر و نه نواهی در گلو و نه هیجانی در تن دارند، مگر اینکه متولد قفس بوده، و طعم آزادی را نچشیده باشند. اگر در حیوانات، این مسأله به صورت یک گزینه نهفته است، در انسان این درک عاطفی با درک عقلی هماهنگ می گردد، و با دلیل و برهان، آزادی خود را می طلبد و درست به همین دلیل است که یکی از انواع مجازات های سخت برای بشر، سلب آزادی و زندان است. بی شک بیشتر زندانها در طول تاریخ، ظالمانه و به صورت ابزاری در دست افرادی خودکامه، کینه توز و انتقام جو برای رسیدن به مقاصد نامشروع بوده است، ولی این مانع از فلسفه واقعی زندان و آثار مثبت آن در اصلاح افراد متخلف و مبارزه با فساد اجتماعی نیست این سلب آزادی، یک اهرم سنگین برای فشار روی افراد زندانی است تا اهداف مورد نظر تحقق یابد. (محمدی، ۱۳۹۰)

۱-۲-۱) اهداف تربیتی مجازات (تادیب) زندان

در مورد هدف مجازات ها نیز عقاید مختلفی از دانشمندان ارائه شده و مکاتب مختلفی به وجود آمده است. به عنوان نمونه، مکتب تحقیقی به پیشگیری اجتماعی یا اقدامات تأمینی که مهم تر از مجازات یا در واقع جایگزین آن است، معتقد می باشد. این اقدامات انواع مختلف داشته و بعضی از آنها دارای جنبه معالجه و تربیت و بسیاری دارای جنبه طرد کردن مجرم از محیط اجتماعی می باشند. در مورد مدت مجازات هم مکتب تحقیقی معتقد است که باید این اقدامات تا خاتمه حالت خطرناک و خنثی شدن این حالت ادامه یابد. این اقدامات باید نسبت به کلیه مجرمان و آنهایی که برای جامعه خطرناک هستند اجرا شود. اعم از اینکه از نعمت عقل برخوردار باشند یا نباشند. (ماهنامه اصلاح و تربیت، ۱۳۸۸)

امروزه اهداف چندگانه ای بر مجازات حبس حکم می کند. این اهداف عبارتند از: وظایف اخلاقی: پاسخ به روحیه عدالت خواهی، تشفی خاطر به دیده، رفع احساس بی عدالتی و پیشگیری از انتقام خصوصی از اهداف مجازات حبس است.

طرد بزهکار: این هدف بیشتر در مورد حبس های طولانی مدت صادق است. عبرت آموزی و بازدارندگی: یعنی تنبیه بزهکار باید کسانی را که وسوسه تقلید از او را در سر می پروراند به فکر وا دارد. سازگاری اجتماعی: هدف عمده کیفر حبس، در اصلاح و پذیرش مجدد اجتماعی محکوم است. رفتاری که نسبت به زندانی روا داشته می شود، به طور عمده به منظور آموزش عمومی و حرفه ای و بهبود اوست. (میرخلیلی، ۱۳۸۰: ۳۹) به هر حال، با افزایش نسبتاً سریع تعداد جرایم، تعداد مجرمان و میزان وقوع جرم زندان ها به عنوان واقعیتهای انکار ناپذیر برای برقراری نظم، امنیت، اصلاح و تربیت مجرمان و مجازات آنها مورد توجه خاص جرم شناسان قرار گرفت و امروزه به عنوان متداول ترین روش مجازات مجرمان در دنیا مورد استفاده قرار می گیرد. (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۶)

۲-۲-۱) تاریخ زندان در ایران

قبل از اسلام نیز در ایران از زندان استفاده می شده است، با این تفاوت که زندان ها در ابتدا به عنوان محلی برای از بین بردن افراد یا رجالی که به نوعی باید در فراموشی مطلق از بین می رفتند به وجود آمد. پس از ورود اسلام نیز در ایران این بازداشتگاه ها به دست خلفای عباسی احداث شد و کم کم به روزهای قبل از ورود اسلام و محبوس کردن برای از بین بردن افراد تبدیل شد.

برای اولین بار در ایران در دوران قاجاریه امیر کبیر در سال ۱۲۹۹ ه.ق. با صدور فرمانی اقدام به لغو شکنجه و سرو سامان دادن به اوضاع زندان ها و زندانیان کرد ولی به خاطر عزل وی این اقدامات چندان دوامی نداشت با این همه در دوران قاجار باز هم تشویق برخی افراد نظیر میرزا حسین خان سپهسالار اقداماتی برای انسانی کردن زندان ها صورت پذیرفت. در میان این اقدامات کنت دومون فورت اولین رئیس پلیس تهران توانست اقدامات عمده ای را در دوران پس از وقوع انقلاب مشروطه به وجود آورد. در ۲۱ مهر ماه سال ۱۳۶۷ اولین آیین نامه زندان ها با توجه به اصول علم زندانی ها نسبت به کانون اصلاح و تربیت به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۶ آیین نامه مذکور اصلاح شد و به سایر زندان ها تعمیم داده شد اما به علت نبود امکانات بیشتر مفادشان اجرا نشد در ایران معاصر و پس از برقراری حکومت قاجار قدیمی ترین زندان بزرگ در تهران زندانی به نام انبارشاهی بود که زیر نقاره خانه ی ارک یعنی محل فعلی بانک ملی بازار قرار داشت و زیر نظر حاجب الدوله (رئیس تشریفات اداره) می شد. فراشبازی، رئیس اجراییات و فراش ها نگهبان انبارشاهی بودند غذای زندانیان بسیار ناچیز بود به طوری که مردم به عنوان نذر گاهی از سوراخ زندان غذا و خوراکی برای زندانیان می انداختند تا این که در سال ۱۲۹۲ شمسی دولت ایران به منظور سر و سامان دادن به وضع شهربانی کشور (نظمیه) عده ای مستشار سوئدی استخدام کرد. مستشاران سوئدی ابتدا نظام نامه محابس را تهیه کردند که در سال ۱۲۹۸ شمسی به تصویب هیات دولت رسید و این اولین آیین نامه و مقررات زندان ها شد. در این آیین نامه زجر بدنی و زنجیر کردن زندانیان ممنوع شد. (سایت تبیان، ۱۳۹۳)

در دوران سرتیپ درگاهی رئیس شهربانی وقت نظام نامه تشکیلات محابس و توقیف گاه ها و وظایف ماموران و مستخدمان آن ها تهیه و در ۳۱ شهریور سال ۱۳۰۷ شمسی به تصویب رسید و در همان سال نظام نامه اجرای حکم اعدام نیز تصویب و به مورد اجرا گذاشته شد. در ۲۱ مهر ماه سال ۱۳۶۷ اولین آیین نامه زندان ها با توجه به اصول علم زندانی ها نسبت به کانون اصلاح و تربیت به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۶ آیین نامه مذکور اصلاح شد و به سایر زندان ها تعمیم داده شد اما به علت نبود امکانات بیشتر مفادشان اجرا نشد. زندان قصر اولین زندان متمرکز تهران است. این زندان هم اینک تعطیل شده و به عنوان باغ موزه قصر مورد بازدید عموم است. در زمان ریاست سوئدی ها بر شهربانی (نظمیه) تهران، زندان نظمیه در محل اداره شهربانی (بخشی از وزارت خارجه فعلی) در میدان توپخانه واقع بود. این زندان مرکب از دو یا سه اتاق کوچک معروف به حبس نمره یک و چند اتاق و یک زیرزمین برای زندانیان عمومی بود.

با ایجاد حکومت رضاشاه محل قبلی تکافوی خیل عظیم زندانیان را نمی کرد. لذا سرتیپ درگاهی، رئیس نظمیه تقاضای یک محل وسیع برای ایجاد زندان تهران را نمود. محلی که برای اینکار در نظر گرفته شد. قصر قاجار حدفاصل سه راه زندان، پل سید خندان، خیابان شریعتی و خیابان پلیس فعلی بود که دارای ساختمانهای قدیمی و وسیع و متروکه بود. این مجموعه که در سال ۱۱۹۸۸ خورشیدی ساخته شده بود، محل مناسبی برای ایجاد زندان تشخیص داده شد و بین ارتش، مخابرات و زندان تقسیم گردید. زندان قصر در تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۰۸ به دست رضاشاه افتتاح گردید. فاز اولیه زندان که در آن زمان افتتاح شد ۱۹۲ اتاق بود با گنجایش ۸۰۰ زندانی. بعدها و تا زمان ساخت زندان اوین در دهه چهل، این زندان تنها زندان پایتخت بود. در این دوران زندان قصر توسعه زیادی پیدا کرد. پس از انقلاب اسلامی ایران این زندان محل حبس زندانیان غیر سیاسی بود. در سال ۱۳۸۳ این زندان تعطیل و شهرداری شروع به تخریب بخشهایی از زندان نمود که با پیگیری کانون زندانیان سیاسی قبل از انقلاب با ثبت زندان به عنوان آثار ملی در سازمان میراث فرهنگی از تخریب آن جلوگیری و متعاقباً بوسیله شهرداری به باغ موزه تبدیل گردید. البته در این میان تا قبل از ثبت محل، زندان زنان سیاسی تخریب شد. اولین زندانی زندان قصر، سازنده آن یعنی سرتیپ درگاهی بود. او تنها دو روز پس از همراهی رضا شاه در مراسم افتتاح زندان، در همان زندان محبوس گردید. (سایت تبیان، ۱۳۹۳)

۳-۲-۱) زندان اوین

زندان اوین، یکی از مشهورترین زندانهای ایران است. این زندان در منطقه اوین در که در منطقه سعادت آباد، تهران قرار دارد. ساخت این زندان در زمینی به مساحت ۴۳ هکتار از دهه ۱۳۶۰ آغاز شد و در سال ۱۳۵۰ افتتاح شد. زندان اوین امروزه رسماً عنوان بازداشتگاه موقت را دارد زمینی که در آن زندان اوین ساخته شده است، سابق) خانه سید ضیاء الدین طباطبایی، روزنامه نگار و نخست وزیر ایران بود. دولت ایران مدعی ست که زندان اوین دارای یکی از مجهزترین کتابخانه ها در میان زندان های ایران است. بندهای زندان اوین برخی از بندهای این زندان زیر نظر قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران نبوده و توسط سایر نهادها اداره می شود. برای مثال بندهای ۲۰۹ و ۲۹۰ این زندان که دارای سلولهای انفرادی و چند نفره (موسوم به سوئیت) است در اختیار وزارت اطلاعات است. و ۵ بند ۲ الف آن زیر نظر سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می باشد. تردد و حضور زندانیان سیاسی خارج از سلول ها فقط با داشتن چشم بند ممکن است. بند ۲۶۰ زندان اوین، دارای چندین طبقه و هر طبقه راهرویی طولانی دارد که شامل چندین سلول در طرفین است. درب هر سلول دارای دریچه کوچکی است و در پایین درب کوچکی مانند درب صندوق پست تعبیه شده، هر سلول تقریباً ۸ متر مربع است و درون هر سلول دستشویی، مستراح و دوش آب بوسیله یک پرده از اتاق سلول جدا شده است. هر سلول پنجره هایی نیز دارد که با در نظر گرفتن دزدگیرهای آن زندانی چاره ای جز آسمان ندارد. دیوارهای هر بند دست نوشته های زندانیان را شامل می شود. شعر، تاریخ ورود و خروج، علت دستگیری زندانی، هویت زندانی، دلتنگی های زندانی و ظلم های روا رفته به او از این قبیل نوشته ها هستند. اگرچه این سلول ها برای یک زندانی طراحی شده اما به علت های مختلف، بیش از ظرفیت نیز استفاده شده که گاهی به ۶ الی ۷ نفر در یک سلول بعد از انقلاب ۱۳۵۷ می رسید.

بند ۳۵۰ (بند امنیتی یا کارگری) از بندهای عمومی اوین و زیر نظر قوه قضائیه است که در گذشته بخش ۳ نامیده می شد. این بند ساختمانی دو طبقه است که در میان آن حیاطی مربع شکل قرار دارد. دو ضلع این مربع به اتاق های نگهداری زندانیان اختصاص دارد که تعداد آنها در هر طبقه به هفت اتاق می رسد. دستشویی ها و حمام های این بند در یکی دیگر از اضلاع آن قرار دارد. هر اتاق تقریباً ۶ متر در ۶ متر بوده و تعداد متغیری زندانی را در خود جای می دهد. صرف غذا دور سفره های پلاستیکی و بر روی زمین انجام می شود و خدمات نظافتی و پذیرایی به صورت دوره ای توسط خود زندانیان انجام می شود. کسی که عهده دار این خدمات برای ۲۶ ساعت است، اصطلاحاً شهردار خوانده می شود. در زندان اوین هر اتاق یک مسئول منتخب زندانیان دارد. در هر بند نیز یکی از زندانیان (وکیل بند) رابط اصلی با زندانبانان است. این بند دارای فروشگاه کوچکی است که امکان خرید مواد غذایی بسیار ساده همچون بیسکویت، خرما، تخم مرغ و مانند آن وجود دارد. در این بند معمولاً زندانیان حق دارند که هفته ای یک بار با اعضای درجه اول فامیل خود ملاقات از پشت شیشه داشته باشند البته مستندات موارد فوق مشخص نمی باشد. بندهای ۷ و ۸ زندان اوین معمولاً به زندانیان با جرایم مالی اختصاص دارند. این بندها، به با کیفیت ترین بندهای زندان در کشور معروف هستند. این دو بند، جمع دارای ۱۰ سالن با ظرفیت اسمی هریک ۲۰۰ زندانی بوده که گاه پذیرای بیش از ۷۰۰ زندانی نیز می باشند. پیش از انقلاب اسلامی ایران، اوین مستقیماً توسط ساواک اداره می شد. با آنکه ساختمان اولیه زندان شامل بیست سلول انفرادی و دو بند عمومی برای فقط برای ۳۲۰ نفر ساخته شده بود، در طی سالهای بعد به ساختمان های زندان چند بار اضافه شد به طوری که در سال قبل از آغاز انقلاب تعداد سلولهای انفرادی تا پنج برابر (یعنی یکصد سلول انفرادی) در بند ۲۰۹ افزایش یافت. همین بند سه طبقه شامل شش اتاق بازجویی در زیرزمین آن بود. یک حیاط اعدام، یک دادگاه، و بندهای جداگانه برای زنان و زندانیان عادی هم ساخته شدند. مجموع این ساختمان ها دارای ظرفیت اسمی بالای یک هزار و پانصد نفر بودند اما تعداد زندانیان اوین بیش از دو برابر این ظرفیت اسمی بود. شرایط زندان اوین از نظر سختگیری با زندانیان به مراتب بدتر از زندان های بزرگ دیگر ایران بود اما از نظر غذا و سرویس های بهداشتی بهتر بود. زندانیان سیاسی از طیف ها و گروه های مختلف مخالف حکومت پهلوی بودند. مسن ترین زندانی سرتیپ علی اکبر درخشانی بود که در ۷ فروردین ۱۳۵۷ در سن ۸۲ سالگی توسط ساواک دستگیر شد و همانشب در زندان اوین درگذشت. بر خلاف زندان قصر که شاهد فرار چندین زندانی در طی سال های سلطنت پهلوی بود، هیچ زندانی موفق به فرار از زندان اوین نشد. (آئین نامه اجرایی سازمان زندانهای کشور، ۱۳۸۶)

۴-۲-۱) تعاریف و واژه شناسی زندان و زندانی

در ماده یکم در باب تعریف سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور چنین آمده است، سازمانی است مستقل که به طور مستقیم زیر نظر رییس قوه قضائیه انجام وظیفه می نماید. مطابق ماده سوم زندان چنین تعریف شده است: زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامات قضایی صلاحیت دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی نگهداری می شوند. همچنین مطابق مفاد ماده ، بازداشتگاه تعریف شده که به معنی: محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقامهای صلاحیت دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می شوند و تا هنگامی که بازداشتگاههای موضوع این ماده ایجاد نشده است، در زندان حل جداگانه ی طبقه بندی شده ای

برای نگهداری متهمان تحت قرار در نظر گرفته می شود و نگهداری متهمان با محکومان در یک مکان ممنوع است. همچنین بیان شده با اجرای طرح ساماندهی منطقه ای زندانهای کشور، که از سوی سازمان تعیین و ابلاغ می شود می توان محکومان به حبس های کوتاه مدت تا ۶ ماه را در بازداشتگاه نگهداری کرد. بعلاوه در ماده ۵، زندانها به زندان بسته، مراکز حرفه آموزی و مراکز اشتغال که خود شامل موسسه های حرفه آموزی و کاردرمانی (اردوگاه) است، تقسیم شده اند. در آیین نامه مزبور در تعریف زندان بسته، چنین آمده است: زندانی محصور با برجهای دیده بانی در پوشش داخلی و خارجی که دارای حفاظت کامل باشد. در این نوع زندان، محکومان شبها در خوابگاههای اختصاصی یا گروهی نگهداری و روزها از برنامه های آموزشی و فنی و حرفه ای، و تفریحی استفاده می نمایند و در کارگاههای داخل زندان به کار گمارده می شوند. در عین حال مراکز حرفه آموزی و اشتغال مکانی است که می تواند محصور و در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب و یا نامحصور و بدون حفاظت و مأمور انتظامی و یا در حالتی بینابین باشد که در آن محکومان به طور گروهی به کار اعزام می گردند و پس از خاتمه کار دوباره به آسایشگاههای خود بازگشت داده می شوند. نکته قابل توجه اینکه مطابق ماده ۹، ریسان و کارکنان مراکز حرفه آموزی و اشتغال باید به شیوه های مقتضی طرز اخلاق و رفتار و نظم و ترتیب کار محکومان را کنترل نمایند. در واقع تلاش قانونگذار انجام اقداماتی است که بتواند علاوه بر نگهداری متهمین در زندان، حداکثر استفاده آموزشی و تادیبی را انجام دهد. مطابق ماده ۱۲، موسسه کاردرمانی (اردوگاه)، مرکزی است برای نگهداری متهمان و محکومان جرایم مواد مخدر و اعتیاد که نقش دو گانه ای را برای بازگشت زندانی به جامعه ایفا می کند. البته محکومان بنابر تصمیم شورای طبقه بندی به منظور اشتغال به کار یا حرفه آموزی می توانند به موسسه های صنعتی، کشاورزی خدماتی مختلف اعزام می شوند، از جمله:

۱- مؤسسه های درون زندان ۲- مؤسسه های خارج از زندان

مطابق ماده ۱۴، مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی مؤسسه هایی هستند که در آنجا متهمان و محکومان قبل بعد، یا ضمن اجرای مجازات یا مستقل از آن تا رفع حالتی که آنها را در آینده در مظان ارتکاب جرم قرار می دهد، به حکم یا قرار کتبی مراجع قضایی نگهداری می شوند و موسسه های صنعتی، کشاورزی، خدماتی و نظایر آن مؤسسه هایی هستند که تحت نظارت سازمان با امکانات لازم از راه سرمایه گذاری دولت یا مشارکت بخش خصوصی و تعاونی به منظور اشتغال و آموزش فنی حرفه ای و نیل به خودکفایی با هدف بازپروری محکومان تاسیس می شوند. دو مرکز دیگر هم در قانون دیده شده که مواد ۱۹ و ۱۷ آنرا معین کرده است. مطابق ماده ۱۶، اداره های مراقبت بعد از خروج مراکز هستند که حمایت محکومان آزاد شده و واجد شرایط را بر عهده می گیرند و مطابق ماده ۱۷، کانون اصلاح و تربیت مرکزی است که اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از ۱۸ سال تمام در آنجا برای اصلاح، تربیت و آموزش نگهداری می شوند. مطابق موارد فوق بخوبی دیده می شود نقش تأدیبی و آموزشی زندان در ساختار سازمانی کاملاً دیده شده است و در موارد دیگری که خواهد آمد ملاحظه می شود که بسیار دقیق این آئین نامه به رفتار و افکار و اخلاق زندانیان توجه داشته است. (آئین نامه اجرایی سازمان زندانهای کشور، ۱۳۸۶)

وظایف سازمان، مسئولان زندان و مراکز حرفه آموزی مطابق مواد ۱۸ به بعد وظایف سازمان شامل این موارد می باشد:

الف - نگهداری متهمان تحت قرار و محکومان به حبس، بنا بر دستور مقامهای قضایی و به موجب مقررات و قوانین مربوط؛
ب - اداره کلیه امور زندانها، مراکز حرفه آموزی و اشتغال، بازداشتگاه ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و مؤسسه ای صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مراکز وابسته؛

ج - ایجاد مراکز حرفه آموزش و اشتغال، بازداشتگاه ها و مؤسسه های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسه ای لازم برای نگهداری، بازپروری، حرفه آموزی و اشتغال به کار متهمان و محکومان و... این وظایف در صورت اجرا حداقل مجرمین و زندانیان را تادیب و با کمترین عوارض از آسیبهای زندان می تواند بکاهد.

با وجود اختیارات فوق سازمان می تواند اقدامات بنیادی زیادهتری نیز انجام دهد. مطابق ماده ۱۹، سازمان می تواند با ایجاد تشکیلات مناسب نسبت به انجام تحقیقات و مطالعات علمی کیفرشناسانه لازم راساً اقدام نماید. البته: کلیه پژوهشهای سازمان باید همساز با مبانی نوین کیفرشناسی بوده، نتیجه آن برای سازمان و بهینه سازی اداره امور کاربرد عملی داشته باشد. همچنین وفق ماده ۲۶، وظایف ریسان زندانها، مراکز حرفه آموزی و اشتغال، بازداشتگاه ها و مؤسسه های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسه ها و مراکز وابسته به سازمان علاوه بر اجرای قوانین، مقررات و آیین نامه های وضع شده، اجرای تصمیم های شورای طبقه بندی با رعایت مقررات مربوطه و... آموزش توجیهی، هدایت و برنامه ریزی و اهتمام و اقدام در جهت تهذیب، اصلاح و تربیت محکومان و نیز تامین بهداشت، تغذیه، تربیت بدنی و تفریحات سالم آنان در محیط زندان یا مراکز وابسته و اجرای برنامه های آموزش حرفه ای، فنی، کشاورزی، خدماتی، علمی و مذهبی با همکاری سازمانهای مربوطه و اعمال نظارت و بازرسی مداوم و کسب اطلاعات لازم از وضعیت عمومی و فردی محکومان و متهمان و رسیدگی به امور دیه، مراکز مراقبت بعد از خروج و موسسه های صنعتی کشاورزی و خدماتی و سایر مراکز وابسته است. ضمن آنکه همکاری و مساعدت در اجرای برنامه های انجمن حمایت از زندانیان، ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه، مراکز مراقبت بعد از خروج

و وسسه های صنعتی کشاورزی و خدماتی و سایر مراکز وابسته نیز دیده شده است. در عین حال قانونگذار مراقبت از محکومان و متهمان ضمن اتخاذ تدابیر لازم و عاجل برای برقراری نظم و آرامش، جلوگیری از وقوع هرگونه بی نظمی و نظارت بر وقایع و خدمات روزانه زندانیان و کلیه کارکنان دیده شده و وضعیت ظاهری و شئون اسلامی، رعایت موارد انضباطی و جلوگیری از حرکات یا اعمال سوء مأمورین و نظارت بر اجرای برنامه های دسته جمعی از جمله نماز جماعت، سخنرانی و اجرای دستورات انضباطی و تنبیهی در مورد هر یک از کارکنان و ارائه گزارش نواقص، معایب مشهود در هر مورد به مقام بالاتر؛ اجرای مراسم صبحگاه و شامگاه؛ اعمال نظارت لازم بر بازرسی بدنی از زندانیان، ملاقات کنندگان و بازرسی دقیق وسائط نقلیه و سایر تجهیزات در هنگام ورود و خروج از زندان بدون استثناء؛ هدایت و نظارت کمک نگهبان در انجام وظایف و امور محوله ارائه گزارش سوانح و حوادث غیر مترقبه حادث شده به مقام مافوق و دهها وظایف ریز و درشت دیگر برای بهره وری سازمانی بالاتر و بهتر را در نظر داشته است. همچنین مطابق مواد دیگر این آیین نامه بایستی سازمان ضمن ارائه آموزشهای لازم به کارکنان برای اجرای شرح وظایف یک نسخه از شرح وظایف هر فرد را در محل کار وی و در جایی که توسط مراجعان به راحتی دیده می شود نصب نماید و در اختصاص پستهای مصوب از نیروی انسانی بر اساس تخصص های مربوطه استفاده شود و رییس سازمان به منظور پیاده شدن راهبرد توسعه قضایی، اصل تخصص گرایی را در انتصابها ملاک قرار دهد. کلیه مسئولان بازرسی سازمان خواه در ستاد و خواه در استانها باید از میان حقوقدانان مسلط به حقوق زندانیان انتخاب شوند و به منظور فراهم شدن زمینه های نهادینه سازی سیاستهای نوین کیفری و فایده مند سازی شیوه های اجرای کیفر سلب آزادی، ترجیحا رییسان مراکز آموزشی و پژوهشی سازمان و مسئولان واحدهای آموزش و پژوهش این مراکز از میان متخصصان کیفرشناسی انتخاب شوند. با اینکه یک زندانی یک تسلیم محض است اما مراقبت در نظافت و حفاظت کامل اموال و امکانات محکومان و تحویل صحیح و سالم امانتهای محکومان به هنگام آزادی یا انتقال آنان از جمله موارد پیش بینی شده در قانون است. (آیین نامه اجرایی سازمان زندانهای کشور، ۱۳۸۶)

بعلاوه مطابق ماده ۳۸، اداره ها و واحدهای مددکاری و خدمات اجتماعی در جهت شناخت شخصیت محکومان و کشف و حل معضلات و مشکلات شخصی و خانوادگی و اجتماعی آنان با کسب نظر روان شناس، تحقیقات و اقدام لازم را نموده، یک نسخه از تحقیقات را جهت ضبط در پرونده شخصیت محکوم به رییس زندان و نسخه دیگر را جهت اقدام لازم به اداره متبوع خود تسلیم می نماید. مددکاران باید با ابراز شفقت و جلب اعتماد محکوم برای بازگشت آنان به زندگی عادی و سالم اجتماعی اقدام و اهتمام لازم به عمل آورند. واحدهای مددکاری، ضمن تلاش برای جلب رضایت شاکی، بدهی های مالی تا سقف دو میلیون ریال را از بودجه در اختیار پرداخت نموده، تا بدینوسیله موجبات جلب رضایت شاکیان و آزادی محکومان مالی با بهره مندی آنان از آزادی مشروط را فراهم کنند. یکی از مهمترین مواردی که در قانون برای آموزش و تادیب زندانیان دیده شده، مفاد ماده ۳۹ است. در این ماده چنین آمده است: از تاریخ تصویب آیین نامه مسئولان واحدهای باز پروری مکلفند کلیه اقدام ها، فعالیت ها، برنامه های و امکانات مادی و معنوی خود را به سوی بازپروری و بازسازگاری محکومان هدفمند سازند به نحوی که نتیجه اقدام های آنان کاهش ماهانه و سالانه میزان تکرار بزه و افزایش میزان خروجی محکومان باشد. افزون بر وظایف مقرر در پست های مصوب، مسئولان واحدهای بازپروری موظفند: برای کلیه فعالیت های خود به منظور باز پروری، برنامه ریزی نموده؛ ضمن تعریف و تعیین اهداف عینی و اختصاصی خود؛ هم سو با بازپروری نسبت به مافی که موثر در اصلاح، بازپروری و بازسازگاری محکومان با جامعه و نیز کاهش بازگشت محکومان به زندان است اقدام نمایند. بعلاوه کلیه برنامه ها و اقدام های بازپرورانه واحدهای خود را با محیط زندان یا مراکز محل خدمت، شرایط اقلیمی، فرهنگی و بومی و ویژگی های مردم شناسانهی محکومان همساز و همگرا گردانند و آثار برنامه ها و فعالیت های اجرا شده واحد خود بر محکومان و تاثیر پیشرفت آن بر کاهش میزان تکرار بزه را مورد ارزیابی ماهانه و سالانه قرار دهند و ضمن اصلاح، تعدیل یا حذف برنامه های نامناسب؛ برنامه های نوین باز پرورانه جایگزین آن نموده، گزارش های ماهانه و سالانه خود را به رییس زندان یا مراکز حرفه آموزی و اشتغال محل خدمت و شورای طبقه بندی به منظور اتخاذ تصمیم های بهتر و مناسب تر ارسال نمایند.

قانون گذار به منظور اثربخشی بیشتر اقدامات بازپرورانه موارد دیگری نیز لحاظ کرده است از جمله: گزارش های سالانه به منظور بهینه سازی تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها، مطالعه کارشناسانه، برنامه ریزی و ابلاغ برنامه های بهینه همچنین مطابق ماده ۴۰، روانشناسان زندان و مراکز حرفه آموزشی و اشتغال موظفند با همکاری مددکاران و بخش معاونت باز پروری و ملاحظه پرونده شخصیتی محکومان ضمن بررسی ناسازگاری و ناهنجاریهای روانی آنان مراتب را به شورای طبقه بندی اعلام و اقدام لازم را برای ایجاد سازگاری و در صورت لزوم درمان آنان بعمل آورند. ضمن آنکه مربیان زندان، مراکز حرفه آموزی و اشتغال، صنعتی، کشاورزی و خدماتی موظفند ضمن اجرای دستوراتی که از طرف رییس مؤسسه به آنان ابلاغ می شود، در روز دست کم دو بار صبح و عصر از محکومان و متهمان سرشماری و حضور و غیاب بعمل آورده و ضمن گشت، افراد مشغول به کار را تحت نظر گرفته و از هر گونه تماس آنان با افراد خارج و یا خروجشان از محوطه مؤسسه یا فرار آنها جلوگیری کنند. وفق ماده ۴۴ به منظور توسعه و ترویج مبانی و موازین حقوق شهروندی در زندان ها، بازداشتگاه ها و موسسه های تحت نظر سازمانی رعایت موازین حقوق اسلامی و انسانی، تسهیل روند زندان زدایی و بازسازگاری محکومان

با جامعه، دفتری به نام «دفتر حمایت از حقوق شهروندی زندانیان» زیر نظر پرسنل سازمان و با تعداد لازم کارشناس تشکیل می شود. وظایف این دفتر به شرح زیر است: مطالعه، بررسی و پیگیری موارد نقض حقوق شهروندی در زندانها، بازداشتگاه ها و مراکز حرفه آموزی و اشتغال و اعلام آن به رئیس سازمان، مطالعه پرونده های قضایی افراد تحت قرار و تذکر گذشت موعدهای قانونی به قاضیان ناظر و مقام های قضایی مربوط، تهیه کتابچه ای در مورد حقوق و تکالیف قانونی محکومان و متهمان و تقدیم ماهانه این حقوق و تکالیف به افراد تازه وارد، همکاری مستمر و نظام مند با هیات نظارت بر اجرای قانون احترام به آزادی های مشروط و حفظ حقوق شهروندی، ستاد حقوق بشر قوه قضاییه و سایر نهادهای حقوق بشری پس از هماهنگی با زرس سازمان نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه و سایر اموری که به این دفتر به موجب قانون ارجاع می شود. نکته قابل توجه این است که مسئول دفتر فوق، از میان حقوق دانان آگاه به موازین حقوق شهروندی توسط رئیس سازمان انتخاب می شود. مسئول دفتر نیز مکلف است از وضعیت حقوق شهروندی مراکز حرفه آموزی و اشتغال و زندان ها به طور ماهیانه به رئیس سازمان گزارش دهد. این گزارش سالیانه حقوق شهروندی سازمان به وسیل مسئول دفتر تهیه گشته از طریق رئیس سازمان تسلیم رئیس قوه قضاییه خواهد شد و البته در کلیه اداره های کل استانی واحد حمایت از حقوق شهروندی زندانیان تاسیس خواهد شد. افزون بر نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات مربوط به زندانها و مراکز حرفه آموزی و اشتغال و سایر وظایفی که به موجب مقررات بر عهده قاضیان ناظر زندان گذارده شده است. (آیین نامه اجرایی سازمان زندانهای کشور، ۱۳۸۶)

بخش دوم: حقوق متهم در بازداشتگاه اوین مطابق قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲

۲) مفاهیم و تاریخچه

۲-۱) مفاهیم حقوق، متهم و حقوق متهم

۲-۱-۱) مفهوم حقوق

حقوق جمع حق است. بنابراین برای تعریف حقوق ابتدا باید واژه حق را معنا کنیم. کلمه حق در لغت به معنای ضد باطل، عدل، واجب، موجود ثابت، راحت، درست، سزاوار مال، ملک، بهره معین کسی و یقین بعد از شک آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۳۹)

بنابراین، معنی ثبوت به اعتبار وجه مصدری و ثابت به لحاظ وجه وصفی که مترادف با پایداری و پابرجایی است، نهفته به نظر می رسد. (الشترتوتی، ۱۳۰۲: ۲۱۵؛ المقدی الضومی، ۱۴۰۵: ۱۴۵)

استاد ابوالقاسم گرجی در معنای کلمه حق می گوید: «حق توانایی خاصی است که برای کس یا کسانی نسبت به شخص یا چیزی و اعم از عقد، عین و غیره، اعتبار شده و به مقتضای این توانایی آن کس یا کسان می توانند در آن چیز یا شخص تصرفی نموده یا بهره ای گیرند.» (گرجی، ۱۳۹۶: ۳۹)

در باب معنای اصطلاحی حق دکتر عبدالرزاق سنهوری حقوقدان مشهور مصری می گوید: «حق منفعتی است مالی که قانونگذار از آن حمایت می کند.» (سنهوری، بی تا، ۹)

حق در اصطلاح فقهی در معنای سلطنت به کار رفته است. این معنی از آیه شریفه «... وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا...»^۱، نیز استفاده می شود. زیرا مراد از سلطنت در این آیه شریفه سلطنت و حقی است که ولی دم در قصاص از قاتل و یا اخذ دیه از او می تواند اعمال کند و حق در حقوق مدنی نیز به همین معنی است. مثلاً وقتی گفته می شود حق خیار، مقصود از آن سلطنتی است که صاحب حق بر فسخ معامله پیدا می کند. در حقوق نوین اروپایی کلمه حق چنانچه در بعضی نوشته های آنان آمده است، نیز در معنای سلطنت و حکومت به کار رفته است و آن را مترادف با کلمه حکومت کردن گرفته اند. در کتب اسلامی در تعریف حق گفته اند؛ حق عبارتست از قدرت یک فرد انسان، مطابق قانون بر انسان دیگر یا بر یک مال و یا بر هر دو. (محمدی گیلانی، ۱۳۹۱: ۴۵)

و در تعریف حقوق می توان گفت که: «مجموعه ای از قواعد الزام آور و کلی است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می شود.» (مؤذن زادگان، ۱۳۷۳: ۱۷)

۲-۱-۲) متهم

این کلمه در لغت از ریشه وهم به معنی گمان و خیال آمده و جمع آن اوهام است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲۳۹) دکتر لنگرودی در معنای متهم می نویسد: «کسی که تهمت متوجه اوست و هنوز رسیدگی به جرم مورد تهمت شروع نشده و اگر هم شروع شده باشد با رای لازم الاجرا پایان نیافته است.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۳۶۷)

قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری از متهم تعریفی بدست نداده است لذا برای تعریف آن باید به منابع دیگر رجوع کنیم. در نظام دادرسی اسلامی کلمه متهم مترادف با مدعی علیه ذکر شده است. آن گاه ضمن تعریف مدعی، مدعی علیه در مقابل آن قرار داده شده است.

مدعی کسی است که قول او خلاف اصل است و یا اگر دعوی را تعقیب نکند، مخاصمه خاتمه می یابد و مدعی علیه در برابر این مفاهیم است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۶۷)

در مورد پایان دوره اتهام از مقررات دادگاه های کیفری بین المللی موجود می توان استفاده کرد که پس از صدور حکم در شعبه بدوی چه دایر بر براءت و چه محکومیت متهم، شخص همچنان بر این وصف باقی است تا آنکه یا مهلت تجدید نظر خواهی منقضی شود یا در صورتی که تجدید نظر خواسته شده است، دادرسی در این مرحله نیز به پایان برسد. (بندررگی، ۱۳۷۹: ۶۹۵)

۳-۱-۲) حقوق متهم

با عنایت به موضوع مورد پژوهش که بررسی حقوق اولیه متهم می باشد. در این قسمت به بررسی حقوق اولیه و اساسی و به عبارت دیگر ابتدایی هر متهم خواهیم پرداخت که به متهمی که وارد بازداشتگاه اوین می شود از این حقوق بهره مند است و نسبت به او باید رعایت گردد.

با ایراد اتهام به شخص متهم، وی وارد فرایندی از دادرسی کیفری می شود که یک طرف آن حکومت با تمام اختیارات و امکانات قرار دارد تا در برابر متهم بایستد و در طرف دیگر متهمی قرار دارد که در برابر قوای حکومتی ناتوان است در نتیجه باید به این متهم این امکان داده شود تا بدینوسیله از خود دفاع کند. اگر هیچ تمهیدی اندیشیده نشود در واقع نظام حکومتی به او ستم کرده است. برای جلوگیری از این لازم است، متهم از حقوقی برخوردار باشد که از خود دفاع کند. (فضائی، ۱۳۸۷: ۶۸)

با توجه به اهمیتی که این حقوق دارند در قوانین اساسی بسیاری از کشورها به این حقوق اشاره شده است. معمولاً مقررات مربوط به حقوق متهم در قانون آئین دادرسی کیفری آورده می شود و در همه رسیدگی های کیفری لازم الرعایه می باشد. در این میان برخی از این قواعد به طور ویژه به حقوق دفاعی متهم اختصاص دارد تا متهم دست کم بتواند از امکانات کافی (نه مساوی) در برابر دادستان برخوردار باشد. بدین ترتیب حقوق متهم را می توان مجموعه ای از قواعد دانست که قانونگذار در جهت حمایت از متهم در برابر تعرضات قوای حکومتی، دفاع هر چه بهتر وی در برابر اتهام انتسابی و ایجاد شرایطی در جهت حفظ کرامت انسانی وی وضع نموده است که عدم رعایت آن دارای ضمانت اجرا می باشد. (فضائی، ۱۳۸۷: ۶۹)

۲-۲) سیر تحول حقوق متهم

در طول تاریخ و در ادوار گذشته حقوق متهم دارای فراز و نشیب های زیادی بوده است. پیشینه حقوق متهم دارای گذشته طولانی در فقه اسلامی و در ادیان جهان داشته است که در این مبحث به سیر تحول حقوق متهم در آموزه های دینی خواهیم پرداخت.

۱-۲-۲) پیشینه حقوق متهم در آموزه های دینی

بدیهی است که نمی توان نقش تعلیم دینی و اخلاقی را در رشد و توسعه ی حقوق متهم در یک فرآیند دادرسی عادلانه نادیده انگاشت. که این دستورات در مکاتب آیین یهود و مسیحیت و همچنین در فقه اسلامی به طور محسوس نقل شده است.

الف) حقوق متهم در آیین یهود و مسیحیت

حقوق متهم در آموزه های عهد عتیق دارای فرامینی است که نشان دهنده اهمیت داوری و قضاوت و همچنین حفظ حقوق کرامت ایشان و رعایت عدل و انصاف است که از جمله:

- ۱- برابری میان طرفین در دعوا؛ این حکم را که «در باره همسایه ات به انصاف داوری کن» چنین تفسیر شده که باید با همه در دادگاه یکسان برخورد شود؛ (فضائی، ۱۳۸۷: ۹۶) ۲- استماع دفاعیات متهم و بازجویی از شاهد، ۳- ممنوعیت رسیدگی کیفری در غیاب متهم، ۴- ضرورت وجود دلیل برای حکم (وجود حد اقل دو شاهد) ۵- تجدید نظر در حکم در صورت اقامه دلیل جدید، ۶- پرهیز از جانب داری و القای دلیل و استدلال به نفع یکی از طرفین دعوا. (کتاب مقدس، ۱۹۸۷: ۱۱)
- که این موارد بیانگر اهمیت حقوق متهم در در آیین یهود و مسیحیت می باشد.

ب) پیشینه حقوق متهم در اسلام

از آنجایی که نظام اسلام آخرین و کامل ترین نزد خداوند متعال بوده است و به حضرت محمد (ص) نازل شده است. لذا در این مکتب که کامل ترین برای همه اقشار بشریت به شمار می رود بنابراین راهکارهای بسیار اصولی در قرآن و همچنین در آیات و روایات ائمه معصومین (ع) آمده است که نشان دهنده کرامت انسانی حقوق متهم به عنوان انسان می باشد.

(۱) دادرسی و حقوق متهم در دوران جاهلیت

بافت قضایی هر جامعه یا کشور تابعی از ساختار و سازمان اجتماعی - سیاسی آن جامعه می باشد. در جوامع ساده و چادرنشین و بیابانگرد، نشانی از قدرت مرکزی نیست. به همین دلیل در عربستان پیش از اسلام خاندان و قبیله کانون بنیادی و شناخته شده بوده است. دادرسی در این مرحله نیز شخصی و خصوصی بوده است. (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۰) در میان عرب پیگرد و انتقام به دو صورت شخصی و بدنی یا ارثی و قبیلگی انجام می گرفت. در قتل عمد و ضرب و جرح فقط مجنی علیه و یا ولی دم و وراث مقتول بودند که به انتقام می پرداختند و کیفر قاتل را خواستار می شدند؛ اما هر جا پای اعتبار و آبروی قبیله در میان می آمد، دیگر فرد نبود که به انتقام برمی خیزد، بلکه بستگان و کسان او به جانشینی یک نظام حقوقی به کینه توزی دست می زدند. مثل جایی که به قبیله اهانت شده باشد. در این شرایط انتقام شکل همگانی به خود می گرفت و قبیله مثل یک نظام هماهنگ و قدرت مرکزی و دستگاه قضایی به پشتیبانی از فرد می پرداخت تا فرد مورد نظر از قبیله دیگر را مجازات کند. واضح است که شخصی که به قبیله ای خاص بستگی نداشت، از قلمرو این پشتیبانی بیرون بود و در مجموع امنیت قضایی نداشت. (ساکت، ۱۳۸۴: ۶۲) در این حالت امکان بکارگیری اصل برائت وجود نداشت حتی می توان گفت استفاده از اصل مجرمیت یک قاعده بسیار قوی در تقابل اصل فوق خودنمایی می کرد. در خونخواهی انگیزه قتل مهم نبوده است، مهم فرونشاندن حس انتقام و خونخواهی بود و در هر حال در این خونخواهی زیاده روی می شد. (مولایی نیا، ۱۳۸۳: ۳۰) بدیهی است انتظار رعایت اصل شخصی کردن مجازات ها در این بهره یک انتظار بیهوده بود.

با وجود این در مسائل کیفری برای کشف جرم و تعیین بزه کار، تحقیقات مقدماتی نیز انجام می گرفت؛ برای نمونه هر جا جنازه مقتول یافت می شد، پرسشهایی به صورت پنهان یا آشکار آغاز می شد (تحقیقات سری یا علنی). (ساکت، ۱۳۸۴: ۶۷) این موارد شکل ابتدایی از تحقیقات پلیسی و استفاده از روشهای کشف جرم و تشخیص هویت محسوب می شد که امروزه یک ابزار مهم در جهت شناسایی افراد بیگناه و جلوگیری از متهم نمودن افراد بیگناه نقش شایسته ای را در نظام عدالت کیفری ایفا می کند.

در ارتباط با قانون در دوره جاهلیت، باید گفت که بر اساس قوانین، دستورات کتب آسمانی آن زمان دادرسی نمی شد؛ آنها به عرف، آموخته ها و دریافت خود در کارها متکی بوده اند. دادرسی ها بر اساس ذوق و سلیقه بود و هیچگونه پیچیدگی و دشواری نداشت. علی رغم عدم وجود نظام قضایی منسجم، به خاطر ارتباط با یهودیان و مسیحیان و نیز دو تمدن ایران و روم در مجموع می توان گفت در موارد نادر سه نوع دادرسی وجود داشته است. تحکیم، احتکام و حلف. در قسمت بالا گفته شد که دادرسی بر مبنای انتقام بود، اما گاهی عرب جاهلی به جای خون به خونبها راضی می شد. اگر در تعیین و پرداخت آن در خانواده قاتل و مقتول با هم تراضی نمی کردند، ناگزیر کار به داور می کشید. برخی دعاوی خاص نیز به صورت مناظره و محاکمه که البته بیشتر جنبه قبیلگی داشت، به دست این داوران رسیدگی می شد. معمولاً دآوری یک سمت موروثی بود و پشت به پشت می گشت. البته داور نیز می بایست ویژگی هایی مثل شجاعت، دلاوری، شاعری، شنا کردن و تیراندازی می داشت و می توانست بنویسد. بسیاری از شرایط لازم در آن دوران برای دآوری شرایطی نیست که برای یک فرد قاضی در یک دآوری عادلانه لازم باشد و شاید برخی از این شرایط مغایر با شئون یک قاضی باشد. اما با وجود چنین دآوری ارجاع امر به وی و نیز اجرای رأی او نیز یک امر توافقی بود. چون هیچ سازمان و قدرت اجرایی نبود تا آن را اجرا کند. به همین دلیل بارها می شد که یا اصلاً رأی اجرا نمی شد یا برخلاف آن عمل می شد. (ابن ابی یعقوب، ۱۳۴۷: ۳۳۷)

دومین شیوه احتکام بود. احتکام به معنی دآوری نزد کاهنان می باشد. درجه و اعتبار رأی وی بستگی به این داشت که تا چه اندازه می توانست از آزمایش بیرون بیاید. آزمایش به این صورت بود که طرفین چیزی را پنهان می کردند و کاهن باید می گفت که آن شیء چیست، به عبارتی کاهن با یاری گرفتن از نیروی اهریمنی و تصور ارتباط با دیو و پری پیشگویی می کرد. (ساکت، ۱۳۸۴: ۷۸) دیده می شود که مشروعیت تحصیل دلیل با استفاده این روشها رنگ می بازد و با اعمال آنها قاعداً فرض بیگناهی یک متهم به سهولت به فرض مجرمیت تبدیل می شود و حق او به راحتی تضییع می گردد.

در کنار کاهن از دو ابزار بزه یابی دیگر یعنی «عرف» و «قائف» نیز استفاده می شد. عرف فردی بود که از هوش بسیاری برخوردار بود و از زیر و بم سخن و آوا، رنگ و تغییرات چهره و حرکات آن، و اعضای دیگر متهم تشخیص می داد که او مرتکب بزه شده یا خیر. شاید بتوان این شیوه را با روانشناسی قضایی در دو قرن اخیر مقایسه کرد به این شکل که بسیاری از علایم جسمی مثل صدای ضعیف، قیافه بشاش، بی احساس و ... هر کدام از حالات روانی فرد خبر می دهد و بر اساس آن می توان به سمت راستگویی و یا دروغ گویی متهم جهت دهی پیدا کرد. (نجفی توانا، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۰)

قائف نیز فردی بود که با اندازه گیری قالب پای متهم و نشانه های آن روی زمین به کشف جرم می پرداخت در اختلافات ناشی از نسب یا شک در نژاد یک نوزاد، قضاوت از سوی قیافه به این فرد واگذار می شود. (مسعودی، ۱۳۵۶: ۵۳-۵۲) این موارد نیز شکل ابتدایی از کشف علمی جرائم می باشد که امروزه به عنوان یک علم در خدمت قضاوت و دادرسی در تمام نظامهای حقوقی مورد استفاده قرار می گیرد. آخرین شیوه دادرسی نیز حلف و جوار بود؛ این روش را مظلالم هم می گویند. به طور خلاصه در مواردی که دو قبیله با هم پیمان

می‌بستند برای انجام هدف مشترک، اگر یکی از همپیمانان مورد تجاوز قرار می‌گرفت، سران پیمان به قضاوت می‌پرداختند و نظر آنها بی‌درنگ اجرا می‌شد. این نوع داوری یک نوع داوری اجباری بود و بسیار اتفاقی و به ندرت اتفاق می‌افتاد. (ساکت، ۱۳۸۴: ۸۴) مسلماً این اجبار هم اجبار ناشی از یک دولت نبوده و شدت و ضعف اجرای آن منوط به توافق میان دو قبیله بوده و اجرای عدالت چندان در آن مطرح نبوده است.

۲) حقوق متهم در نظام دادرسی اسلامی

با آمدن اسلام توسط پیام اکرم (ص) در شبه جزیره عربستان حیات تازه‌ای در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین اصول در مردم به وجود آمد.

اگر بنا بر تبیین اصول دادرسی در زمان پیامبر باشد لازم است نکات زیر تذکر داده شود:

اول: ایشان می‌کوشیدند که طرفین دعوا را به آشتی و سازش دعوت نمایند.

دوم: وقتی دلیل و مدرکی به ایشان ارائه می‌شد و به درستی ادعای یکی از طرفین می‌رسید، بر طبق آن حکم می‌کرد. منظور از این مطلب این است که ایشان به ظاهر حکم می‌کردند. (نحن نحکم بالظاهر) (ساکت، ۱۳۸۴: ۹۵)

سوم: یکسان‌نگری میان طرفین دعوا و بردباری و شکیبایی در شنیدن گفته‌ها و توجه به دلایل طرفین و پرهیز از دادرسی به هنگام خشم رعایت می‌شد. (الناس کألسان المشط سواء، مردم همانند دانه‌های شانه یکسانند) (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۳۷۹)

این امر یکی از اصول دادرسی عادلانه‌ای است که به عنوان حق دسترسی به محاکمه عادلانه مطرح می‌شود و صفات عالی‌ه قضایی یکی از شرایط آن می‌باشد.

چهارم: در مسائل کیفری (حدود) با یافتن راه گریز، از اجرای مجازات مسلمانان بزهکار خودداری می‌شد. (درء) این اصل در حقوق کیفری اهمیت زیادی دارد و دست قاضی را برای اجرای عدالت باز می‌گذارد و می‌تواند در پاکسازی و بهسازی بزهکاران تأثیر زیادی داشته باشد.

پنجم: در دادرسی‌های پیامبر معاینه محل نیز وجود داشته است. (ساکت، ۱۳۸۴: ۱۰۰)

اینها بخشی از ویژگی‌های دادرسی در زمان پیامبر بوده است. که به عنوان اصول کلی در مکتب اسلامی پذیرفته است و در دادرسی‌ها اجرا شده است.

۲-۲-۲) پیشینه حقوق متهم در حقوق موضوعه

اگر چه بخش اعظم نظام حقوقی فعلی ما برگرفته از شرع مقدس اسلام می‌باشد، اما نمی‌توان تأثیر حقوق غرب و کشور های اروپایی را در آن نادیده گرفت. آنچه امروزه به عنوان نظام دادرسی اتهامی و یا مختلط شناخته می‌شود ملهم از قانون دادرسی کیفری زمان ناپلئون در فرانسه است. بنا براین لازم است در جهت رفع نقایص موجود در نحوه رسیدگی در عین توجه به اصول و قواعد اسلامی نگاهی به تحولات کشورهای پیشگام در این زمینه داشت. بنابراین در این قسمت ابتدا پیشینه حقوق متهم و تحولات آن در اروپا و سپس به طور اختصار در ایران مد نظر قرار می‌گیرد.

۱- پیشینه حقوق متهم در اروپا

برخلاف آموزه‌هایی که درخصوص برابری افراد و سایر اصول دادرسی وجود داشت، در قرون وسطی در اروپا، رفتار برابر در حوزه های کیفری به شکل امروزی به عنوان یک ارزش در نیامده بود. به عبارتی «مسأله قضایی ایجاد تناسب میان مجازات و موقعیت و در آمد مجرم بود، نه میان جرم و مجازات». (جان کلی، ۱۳۸۲: ۳۲) به علاوه یکی از اساسی ترین اصول دادرسی عادلانه یعنی رعایت تساوی بین طرفین دعوا رعایت نمی‌شد و اگر چه گاهی رفتارهای بی رحمانه ای همچون شکنجه ها و مجازات های خشن در سخن ارباب کلیسا همچون سنت آگوستین تقبیح می‌شد اما هیچگاه ممنوع نشد. برپایی دادگاه های تفتیش عقاید به اندازه کافی گویای نحوه محاکمه و عدم رعایت حقوق متهم در حین دادرسی در آن زمان بوده است. اما در اواخر قرون وسطی و بعد از ظهور دوره رنسانس جامعه اروپایی به سمت وسویی سوق داده شد که تأکید بیشتری بر حقوق فردی داشت. که بعد ها تلاشهای صورت گرفته، رفته رفته وارد قوانین دادرسی شد و حقوق بسیاری برای متهم تثبیت شد. آنچه که در کد ناپلئون مشاهده می‌شود نتیجه ی همین تلاش هاست. آزادی خواهان با تجربه تلخی که از دوران قبل داشته اند با تصریح به اصل برائت خواهان حقوقی اساسی برای متهم از جمله حق دفاع، حق داشتن وکیل و محدودیت در بازداشت ها بوده اند. این تحولات به سرعت در سایر کشور های اروپایی نیز ادامه یافت و بر پایه همین اصل برائت و اصول دیگر حقوق بشری باعث ایجاد نهاد های مختلف حمایتی در قوانین دادرسی شد. با تشکیل نهادهای بین المللی و توجه جهانی به مسائل حقوق بشری توجه به حقوق متهم انسجام خاصی به خود گرفت؛ به نحوی که کشور های مختلف با توجه به آن دست به اصلاحات زیاد در قوانین دادرسی زدند. به عنوان مثال در کشور ایتالیا انتقادات زیادی بر قانون ۱۹۳۰ وارد شد. اصل تساوی سلاح ها موجب شد تا اختیارات دادستان در حد یک مقام تعقیب محدود شود و در جهت توافقی نمودن دادرسی بازپرس از نظام حقوقی آن کشور حذف شد. همچنین در جهت رعایت هر چه بیشتر حقوق متهم جانشین های زیادی برای بازداشت موقت ارائه و اختیار قضات در این زمینه بیشتر شد. در نهایت

اینکه جهت تسریع در رسیدگی شیوه های نوینی از جمله دادرسی اختصاری پیش بینی شد. فراتر از تمام این اصلاحات باید گفت یک تحول بسیار بزرگ در حقوق اروپا تصویب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۰ و به دنبال آن نهادهای اجرایی آن یعنی کمیته و دیوان اروپایی حقوق بشر بوده است. این نهادها باتوجه به اختیارات خود نقش بسیار موثری در تکمیل و اجرای اصول حقوق بشری و رعایت کرامت انسانی در دادرسی های کیفری دارند. (جان کلی، ۱۳۸۲: ۳۳)

۲- پیشینه حقوق متهم در ایران

در این قسمت به طور اختصار به بررسی پیشینه حقوق متهم در ایران می پردازیم.

۱-۲- در ایران باستان

حسب بررسی مورخین و اسناد موجود در ایران باستان «حقوق دفاعی متهم» به معنای واقعی عبارت وجود نداشته است؛ زیرا در آن دوران کلیه شئون مملکتی از جمله حق و قانون و امر دادرسی متعلق به اراده پادشاه و قدرت قشون بوده است. هیچ حقی اعم از حق دفاع یا آزادی دفاع و امثال آن در مقابل آن، حق شمرده نشده است. تصمیمات و احکام پادشاه در نظر مردم وحی و الهام اهورامزدا به شخص پادشاه بوده است؛ قوه عالی قضایی در اختیار شاه بوده و آن را به افراد سالخورده واگذار می کرده است. (ویل دورانت، ۱۳۴۹: ۴۱۸) به علاوه در ایران باستان مانند روم و یونان قدیم، استفاده از روشی غیر معقول اوردالی یا در صورت تردید در انتساب بزه انتسابی به متهم معمول بوده است. در آن دوران مسئولیت جزایی جمعی و جنایت یک فرد مستلزم هلاکت تمام خویشاوندان او بوده است. در امور جزایی در حین بازجویی و در صورت لزوم، بازپرس از طریق وعده و وعید و حتی تهدید، متوسل به اخذ اقرار از متهم می شده است. عدم حضور متهم در محکمه، ظرف سه روز متوالی و اصرار شاکی به صدور حکم به عنوان صحت ادعای شاکی تلقی می شده است و همین امر قرینه اثبات دعوا محسوب میشده و بر اساس آن، قضات مبادرت به صدور رأی می کردند. به گفته ویل دورانت گروهی به نام سخن گویان قانون وجود داشته اند که مردم برای پیشرفت دعاوی خود در امور قضایی با آنها مشورت می کردند. (ویل دورانت، ۱۳۴۹: ۴۱۸)

۲-۲- در دوران معاصر

در این قسمت هدف این است که ابتدا به طور مختصر سابقه حقوق متهم در عصر مشروطیت و تحولات آن دوران و سپس به تحولات حقوق متهم در دوران جمهوری اسلامی بررسی شود.

۲-۲-۱- دوره مشروطیت

استبداد بی حد و حصر و مطلق پادشاهان صفویه و قاجاریه و عدم محدودیت اختیارات آنها در رفتار با زیر دستان و عدم رعایت حقوق و آزادی های فردی در رسیدگی به جرائم، موجب قیام عمومی با هدایت علماء دین و طبقات تحصیل کرده و روشنفکر شد. این قیام و نهضت مردمی منتج به تدوین و تصویب اولین سند رسمی به نام قانون اساسی مشروطیت در سال ۱۲۸۵ هـ. ش با فرمان مظفرالدین شاه شد. به دنبال آن متمم قانون اساسی مشروطیت در سال ۱۲۸۶ هـ. ش در دوره سلطنت محمدعلی شاه با فرمان وی تصویب شد. با تدوین قانون اساسی مشروطیت و متمم آن تحولات اساسی در زمینه حقوق و آزادی های فردی بوجود آمد و در زمینه حقوق ملت و مجازات جرائم و برخورد با مجرمان برای اولین بار در یک سند رسمی منتشر شد و مقرراتی در این زمینه به تصویب رسید؛ اما چون در متن قانون اساسی سال ۱۲۸۵ اصلاً سخنی از حقوق ملت نشده بود در اثر فشار آزادی خواهان در متمم قانون اساسی در فصل دوم، موارد زیادی را به حقوق ملت اختصاص دادند. با این توضیح می توان گفت در این تاریخ (۱۲۸۶) برای اولین بار بود که حقوق ملت به صورت مکتوب و مدون درآمد و به صورت رسمی دولت مکلف به رعایت آن شد.

از فصل دو که مربوط به حقوق ملت است می توان اصولی را استخراج کرد که در بردارنده حقوق افراد جامعه در حالت کلی است و در فرآیند دادرسی جلوه ویژه ای پیدا می کند. به طور اختصار می توان گفت: اصل برائت و (اصل ۱۲)، اصل مصونیت محل سکونت افراد (در اصل ۱۳)، اصل ممنوعیت دستگیری غیرقانونی (در اصل ۱۰)، اصل تساوی افراد در مقابل قانون (در اصل ۸)، اصل ممنوعیت افشای مراسلات، مکاتبات و مخابرات (در اصول ۱۳ و ۲۲) که به عنوان مصادیقی از اصل کلی مشروعیت تحصیل دلیل می باشد، اصولی هستند که متضمن رعایت بخش زیادی از حقوق متهمین هستند.

علاوه بر اصول فوق می توان یک بار دیگر به اصل ۱۰ متمم قانون اساسی اشاره کرد که خود در برگیرنده اصل بودن آزادی افراد و استثنا بودن سلب آزادی و بازداشت موقت است. این اصل بیان می دارد: «غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده، هیچ کس را نمی توان فوراً دستگیر نمود، مگر به حکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون. در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت به او اعلام و اشعار شود». در اصل ۱۳ که در خصوص مصونیت محل سکونت افراد است و به نوعی به حق داشتن حریم

خصوصی اشاره می کند آمده است: «منزل و خانه هرکس در حفظ و امان است و در هیچ مسکنی قهراً نمی توان وارد شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده است» در همین راستا و علاوه بر این اصول در قانون اصول محاکمات جزایی ایران، مصوب ۱۲۹۰ هـ. ش در مواد ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ قیود و ترتیباتی برای تفتیش و بازرسی از منزل، در مواردی که بازرسی قانونی است، در نظر گرفته شد. خارج از فصل حقوق ملت در اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطیت برای اولین بار هیأت منصفه به رسمیت شناخته شد که این حق همچنان در قوانین ما در جرائم سیاسی و مطبوعاتی وجود دارد و در حقوق بسیاری از کشورها، در برخی جرائم به عنوان یک حق مسلم در فرآیند دادرسی محسوب می شود.

همچنین در اصول ۷۰ الی ۸۵ این قانون که به دادرسی اختصاص یافته بود، در جهت حفظ حقوق متهمین در فرآیند دادرسی اصول مهم از جمله اصل علنی بودن، اصل مستند بودن احکام دادگاه ها مورد تصریح قرار گرفت.

به علاوه در همین اصول، در جهت حصول بی طرفی دادگاه و ایجاد نهادی ویژه برای تعقیب عمومی جرم، نهاد دادسرا و دادستان وارد نظام حقوقی ما شد. در سال ۱۲۹۰ برای نخستین بار، قانون آیین دادرسی کیفری تحت عنوان «قانون موقت اصول محاکمات جزایی» به تصویب رسید. در این قانون مسائل مهمی در جهت حفظ و توجه به حقوق متهمین تشریح شد و تأسیسات عمده ای را وارد حقوق کشور کرد. از جمله اینکه در این قانون حق داشتن وکیل به رسمیت شناخته شد و موارد تأمین کیفری در مراحل مختلف رسیدگی احصا شد. این دوره را می توان یک دوره مهم در تحولات دادرسی کیفری و پیشرفت در جهت حفظ حقوق شهروندی و اعمال آن در محاکم ایران دانست.

۲-۲-۲ دوره جمهوری اسلامی ایران:

در قسمت قبل بیان شد که قانون اساسی مشروطیت و متمم آن و پس از آن قانون اصول محاکمات جزایی توانست تحولات زیادی را در زمینه حقوق متهم و در کل ایجاد امنیت روانی در افراد جامعه برآورد. اما واقعیت های جامعه در آن عصر را نمی توان از نظر دور داشت. خودکامگی موجود در ارکان رژیم سابق و عدم رعایت ضوابط و حقوق قانونی افراد باعث تجاوز به حقوق و آزادی های فردی شد. وضعیت نابهنجار ناشی از دستگیری ها و بازداشت های افراد و آزار شکنجه هایی که بوسیله مزدوران رژیم بر ملت در دادگاه های اختصاصی صورت می گرفت و علت عمده دیگر که همان رواج و شیوع فساد و بی بندوباری در میان دربار و خانواده شاه و بی عدالتی ایجاد شده در میان مردم، باعث بروز انقلاب سال ۵۷ به رهبری امام راحل شد. پس از ارائه طرح تشکیل جمهوری اسلامی، لزوم ابتدای کلیه امور قضایی، سیاسی و فرهنگی بر فقه اسلامی مورد توجه قرار گرفت و تلاش های زیادی صورت گرفت تا دادرسی کیفری هرچه بیشتر با موازین اسلامی مطابق گردد.

این امور باعث شد تا مردم در سال ۵۸ به قانون اساسی براساس اعتقاد دیرینه خود به اصول اعتقادات مکتب اسلام و نیز اجتهاد بر اساس کتاب و سنت رأی مثبت بدهند. به این ترتیب در قانون اساسی در فصل سوم با گستردگی و کمال بیشتر به شرح حقوق ملت پرداخته شود. در این فصل علاوه بر اصول مهمی که در قانون مشروطیت وجود داشت و به آن اشاره شد، اصول دیگری جهت تضمین هرچه بیشتر حقوق ملت آورده شد؛ از این اصول می توان به اصل ممنوعیت تفتیش عقاید (مذکور در اصل ۲۲) اصل حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه صالح (مذکور در اصل ۳۷) و ممنوعیت شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع (مذکور در اصل ۳۸) اشاره کرد. بسیاری از این حقوق امروزه به عنوان مهمترین حقوق متهم در فرآیند دادرسی مورد توجه کشورهاست و می توان گفت از این لحاظ قانون اساسی ما یک قانون پیشرفته می باشد. پس از انقلاب اسلامی نیز تلاش های مستمری در جهت حفظ و ارتقاء حقوق متهمین برداشته شد. هرچند که حذف دادسرا با قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب یک گام به عقب در جهت تکامل آیین دادرسی محسوب می شود و لطمات زیادی به نظام قضایی ما وارد آورد، اما با جبران این اشکال در سال ۸۱ با تصویب قانون معروف به قانون احیاء دادسرا بخشی از این لطمات جبران شد و مجدداً جامعه حقوق در مسیر رو به کمال خود حرکت کرد. آخرین اقدام در این زمینه را می توان تصویب قانون حفظ آزادی های مشروع و حقوق شهروندی و همچنین تدوین لایحه جدید آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می باشد که به بیان آنها در مطالب بعدی مطابق با بازداشتگاه اوین خواهیم پرداخت.

۳-۲ حقوق اولیه متهم در بازداشتگاه اوین براساس ق.آ.د.ک ۱۳۹۲

رعایت تشریفات دادرسی عادلانه و مصادیق کرامت انسانی می تواند برای متهم جنبه باز پرورانه داشته باشد و باعث شود که متهم به جامعه و دستگاه عدالت کیفری به دید دشمن ننگرد و خود را قربانی اشتباهات و بی عدالتی های این نظام نداند. همچنین این امر می تواند برای متهم جنبه آموزشی نیز داشته باشد؛ بدین نحو که متهم می آموزد با دیگران نباید آن طور که خود می خواهد رفتار کند.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از الگوی جهانی دادرسی عادلانه و استفاده از مطالعات تطبیقی با اتخاذ رویکردهای نوین از نظام دادرسی تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی فاصله گرفته است. در این میان، مقررات ناظر بر حقوق دفاعی متهم، تحولات

مهمی داشته و توجه و حمایت از او از همان آغاز فرایند کیفری مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است. حق ملاقات با وکیل و پزشک و تماس تلفنی با بستگان در مرحله دخالت ضابطان دادگستری، از جمله حقوق متهم در این مرحله است. همچنین، حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی به مفهوم خاص (یعنی نزد بازپرس) به طور کامل متحول شده است. توافقی کردن امر تحقیق و دادن امکان برابر به همه طرفهای دعا از هدف های مهم قانون گذار در این قانون بوده است. به طور کلی این نوآوری ها را می توان در جهت توازن میان نفع و مصلحت عمومی و نفع و مصلحت متهم دانست. البته شاید این حقوق شامل فهرستی طولانی باشد، اما نگارنده در این مجموعه مختصر رویکردی گزینشی به مهم ترین و جدیدترین حقوق مقرر در قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲ داشته است.

۱-۳-۲) حق بر آزادی

آزادی ارزشی برتر است. در بیشتر آثار فلسفی این عصر، آزادی جوهر زندگی و مهم ترین غایت انسان و از گران بهاترین ارزش هاست. یکی از مبناهای حقوق انسانها آزادی است که جزء مبنای اساسی قوانین حقوقی کشورهای جهان می باشد. در کنار تحولات مهمی که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اتفاق افتاده، باید خاطرنشان کرد که حق آزادی و امنیت متهم در این قانون از چند منظر تقویت شده است:

محدودیت تحت نظر از گذر پیش بینی پاره های حقوق اساسی برای متهم؛ کاهش موارد بازداشت موقت و پیش بینی قرارهای نظارت قضایی؛ جبران خسارت مدت بازداشت موقت.

نوآوری های این قانون که در راستای توافقی کردن تحقیقات مقدماتی و رعایت حقوق متهم بوده، به منظور جلوگیری از هر گونه اقدام محدود کننده یا سالب آزادی بدون نظارت مقام قضایی و نیز پرهیز از اعمال سلیقه شخصی و سوء استفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت نسبت به مظنون و متهم تصویب شده است. در همین چارچوب است که ماده ۴۹ این قانون ضابطان را به اعلام مشخصات سجلی، شغلی، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن متهم به هر شکل ممکن به دادرسی محل ملزم کرده است.^۱ سرانجام ماده ۳۳ همین قانون به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان و در راستای جلوگیری از نقض حقوق شهروندی افراد تحت نظر و همچنین نقض موازین حقوق اسلامی و انسانی، بر بازرسی واحدهای مربوط، حداقل هر دو ماه یک بار تأکید کرده است. بنابراین ادامه این مبحث ذیل پنج قسمت مورد بررسی قرار می گیرد:

۱-۳-۱) ممنوعیت اخذ تأمین

در روند تحقیقات مقدماتی، برای شخص متهم که هنوز مجرمیت او به اثبات نرسیده است، اصل بر آزادی و عدم ایجاد محدودیت و ممنوعیت است (اصل برائت). لذا مقام صالح با رعایت اصل تناسب یعنی اهمیت جرم ارتكابی، دلایل و اسباب اتهام، احتمال فرار متهم، از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم و وضعیت جسمانی و شخصیت او، پس از حضور متهم و تفهیم اتهام به او اقدام به صدور قرار می کند. بنابراین با توجه به اینکه صدور قرار تأمین برای متهمی که هنوز مجرم محسوب نمی شود خلاف اصل است، پس صدور قرار باید در اختیار مقامات قضایی باشد و ضابطان دادگستری صریحاً به موجب ماده ۴۱ از این اقدام منع شده اند، حتی ادامه ماده مقرر می دارد: مقامات قضایی نیز نمی توانند اخذ تأمین را به آنها محول کنند.

ماده ۴۱: ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند. در هر صورت، هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، فقط توسط مقام قضایی طبق مقررات این قانون اعمال می شود. در مرحله تحقیقات مقدماتی، تأمین وسیله ای برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن یا تبانی با دیگران و تضمین دسترسی به او در مواقع لزوم صدور این قرارها که حقوق و آزادی های فردی را محدود می سازد، در صلاحیت انحصاری مقام قضایی قرار دارد. بنابراین بازپرس، دادستان یا دادیار هم نمی توانند دستور اخذ تأمین از متهم را به ضابطان بدهند و چنین دستوری در زمره دستورات غیرقانونی و غیرقابل اجرا به شمار می آید.

امری که تخلف از آن به موجب ماده ۶۳ این قانون موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است. مفاد این ماده در انتهای ماده ۱۹ قانون سابق پیش بینی شده بود. قسمت دوم ماده ۴۱ قانون جدید صراحتاً در قانون سابق پیش بینی نشده بود و به همین سبب در عمل کلانتریها با تجویز مقام قضایی با گرفتن سند مالکیت، کارت ملی، شناسنامه و نظایر آن متهم را آزاد می کردند. به همین سبب، قوه قضاییه به موجب بخشنامه ۱/۷۹/۱۴۱۷۰ مورخ ۱۳۷۹/۹/۹ صدور چنین دستوراتی را ممنوع و قضات صادر کننده چنین دستوراتی را واجد مسئولیت می شناخت. (سلیمی و بخشی زاده اهری، ۱۳۹۳: ۴۶)

^۱ ماده ۴۹: «به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی به هر طریق ممکن، به دادرسی محل اعلام می شود. دادستان هر شهرستان یا درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات فصل دوم از بخش هشتم این قانون راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می کند تا به همان نحو ثبت شود.»

قسمت دوم ماده ۴۱ که عنوان می‌دارد: «در هر صورت هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضایی طبق مقررات این قانون اقدام می‌شود»، در متن پیش نویس مقرر نگردیده بود که با ایراد شورای نگهبان به ادامه ماده افزوده شده است. زیرا تصمیم گیری در مورد محدودیت آزادی و سایر حقوق یک انسان نمی‌تواند در اختیار افراد زیادی باشد و در صورت لزوم حتی الامکان باید تحت اختیار افراد خاص در شرایط خاص و بر طبق قانون باشد. به خصوص اگر قرار تأمینی مانند بازداشت موقت صادر شود که در واقع شدیدترین نوع قرارهاست. محدود کردن یک انسان توسط انسانی دیگر از نظر قانون نیازمند دلیل و پشتوانه محکمی است که بتوان با استناد به آن محدودیت موردنظر را اعمال کرد، که آن دلیل می‌تواند نقض هنجارهای قانونی توسط شخص باشد که این هم به تنهایی نمی‌تواند دلیل اعمال محدودیت باشد، بلکه باید نوع محدودیت و مقام اجراکننده و نحوه اجرای آن در قانون مدونی از قبل ذکر شده باشد.

۲-۱-۳-۲) ممنوعیت تحت نظر نگه داشتن متهم

یک سری از حقوق بشر، حقوق طبیعی اوست و از هنگام تولد تا دم مرگ با او خواهد بود و صرف نظر از روابط اجتماعی و شیوه زندگی فردی و جمعی، همواره توسط همه مورد احترام است، مانند حق زندگی که بر اساس احترام به کرامت انسان استوار است و قابل سلب نیست. هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند ولو به نام منافع جمعی یا امنیت ملی، حق زندگی را از دیگران سلب نموده و او را اعدام نماید.

دسته دیگری از حقوق بشر، حقوقی است که در اجتماع و بر اساس روابط مدنی و سیاسی تعریف می‌شود که در روابط بین انسانها و در ساختار اجتماعی - سیاسی کاربرد دارد و تعریف می‌شود، مانند حق آزادی مطبوعات، حقوق اجتماعی ما که بر اصل آزادی و برابری انسانها استوار است. اما این آزادی‌ها در چارچوب روابط اجتماعی و باتوجه به عملکرد افراد در زمینه اجتماع تعریف می‌شود. بنابراین نهادهای اجتماعی همچون مجلس شورا می‌توانند محدوده ای برای این حقوق تعیین کنند و نهاد اجتماعی دیگری همچون دستگاه قضایی می‌تواند این حقوق را از برخی افراد سلب نماید. در اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای، به تضمین این حق بنیادین و جلوگیری از محروم کردن افراد جامعه از حق آزادی اشاره شده است. این اصل مورد قبول همه نظام های حقوقی است که متهم به جرم کیفری که هنوز محاکمه نشده است، نباید بازداشت شود. چنین اصلی از نتایج دو حق آزادی و بی گناهی است. اما شرایطی هم وجود دارد که مطابق آن محدود کردن آزادی افراد یا به عبارتی، بازداشت متهمان تا زمان محاکمه مجاز می‌باشد. در صورتی که چنین بازداشتی مطابق با قوانین و استانداردهای پذیرفته شده نباشد، اعتراض متهم نسبت به این بازداشت غیرقانونی، مفروض است. (سلیمی و بخشی زاده اهری، ۱۳۹۳: ۴۸)

با توجه به اصل ۳۲ قانون اساسی که مقرر می‌دارد «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مشخص می‌کند، در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر ادله بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» این تفهیم اتهام به این دلیل است که متهم با موضوع اتهامی علیه خود آگاه شده و این آگاهی به او این فرصت را میدهد تا او امکانات دفاعی لازم را در جهت رد اتهام وارده فراهم سازد. پس از اینکه تفهیم اتهام صورت گرفت، حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مرجع صالح ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم می‌گردد.

این اصل در واقع مبنای ماده ۴۶ می‌باشد که مقرر می‌دارد: ضابطان دادگستری مکلف اند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت ضابطان باید طبق دستور دادستان، تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرائم مشهود نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال ضابطان نمی‌توانند بیش از ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.

قانون گذار در این ماده برخلاف ماده ۲۴ قانون سابق، اصل را بر این گذاشته که ضابطان نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. منظور از تحت نظر داشتن این است که فرد را زیر نظر بگیرند که می‌تواند از طرق مختلفی مانند بازداشت موقت، تعقیب و.. انجام گیرد مگر اینکه دو قید وجود داشته باشد:

۱. در جرائم مشهود قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط مظنون وجود داشته باشد (ماده ۴۴)

۲. در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد.

در قانون جدید، مقنن با عبارت «مکلف است»، به تکلیف ضابطان برای تبعیت از حکم این ماده تأکید ورزیده است. در کنار این تکلیف، به فوریت انجام آن نیز اشاره شده است که در ماده ۲۴ قانون سابق چنین نبود. با توجه به عدم وجود دادسرا در زمان حکومت قانون ۱۳۷۸،

ضابطان نتیجه اقدامات خود را به «مقامات قضایی» که غیر از دادستان بود، اطلاع میدادند. لیکن به تبع تشکیل دادسرا در سال ۱۳۸۱ و وجود آن در حال حاضر، نتیجه اقدامات به دادستان اطلاع داده خواهد شد. در ماده ۲۴ قانون سابق عنوان شده بود ضابطان «نمی توانند متهم را در بازداشت نگه دارند که در قانون جدید از عبارت «نمی توانند متهم را تحت نظر نگه دارند» به جای آن استفاده شده است. عبارت «تحت نظر نگه داشتن» عام تر از مفهوم «در بازداشت نگه داشتن» است؛ زیرا همان گونه که گفته شد، تحت نظر نگه داشتن شامل بازداشت موقت، تعقیب و... می شود. بنابراین این ماده سایر مصادیق را نیز علاوه بر بازداشت موقت برای ضابطان ممنوع کرده است که این اقدام بیشتر موافق اصول کرامت انسانی است؛ زیرا به نظر می رسد بهتر باشد که عوامل محدود کننده و سالب آزادی متهم با دقت بیشتری مورد استفاده قرار گیرد.

قانون گذار ضابطان را در مواردی که متهم برای انجام تحقیقات تحت نظر آنان قرار دارد، مکلف نموده است که موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم نمایند و نیز مراتب را به فوریت برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. اگر هم فردی خارج از وقت اداری به علت هریک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است موضوع را بررسی نماید و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم، اقدام قانونی به عمل آورد.

۳-۱-۳-۲) محدود شدن استفاده از قرار بازداشت موقت

قرار بازداشت موقت به منظور انجام دادن تحقیقات مقدماتی، شدیدترین قرار تأمینی است که ممکن است از سوی بازپرس صادر شود. این بازداشت با توجه به اینکه مغایر اصل برائت است، موارد صدور آن باید محدود شود. از این رو، در بسیاری از کشورها از جمله فرانسه، به منظور جلوگیری از بازداشت اشخاص، صدور این قرار، بسیار محدود شده و قرارهای نظارت قضایی جانشین آن شده اند.

در صورتی که قرار تأمین به شکلی منجر به سلب آزادی متهم شود، شخص را با افراد جدیدی در بازداشتگاه آشنا می کند. در واقع «بازداشتگاه» موجب دوری شخص از زندگی و فعالیت عادی وی می شود. برچسب متهم به ویژه درباره افراد بی سابقه، آثار کمانهای غیرقابل پیش بینی برای افراد در جامعه دارد و به هر حال، نقطه عطفی در حیات اجتماعی آنان و خانواده هایشان محسوب می شود. کیفیت فضای روانی حاکم بر بازداشتگاه که حاصل تعامل بین خود متهمان و مأموران است، همراه با کیفیت فضای مادی موجود، به نوبه خود بر سایر مراحل فرایند کیفری تأثیر می گذارد؛ زیرا سلب آزادی از یک سو و جو مادی - روانی حاکم بر این محیط از سوی دیگر، روان متهمان را تحت تأثیر قرار میدهد. (سلیمی و بخشی زاده اهری، ۱۳۹۳: ۵۳)

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز در این چارچوب و با هدف جلوگیری از بازداشت متهمان، نوآوری هایی را پیش بینی کرده است. در وهله نخست، قرار بازداشت موقت اجباری به کلی از میان رفته است و نه تنها بازپرس در هیچ موردی ملزم به صدور قرار بازداشت موقت نیست، بلکه به منظور رعایت آزادی و امنیت اشخاص و احترام به اصل برائت، قانون گذار، اصل را بر آزادی متهم قرار داده است. ماده ۲۳۷ در این باره مقرر می دارد: «صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست مگر درباره جرائم زیر که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند:

الف. جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا قطع عضو و در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی، جنایاتی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا پیش از آن است. ب. جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است. پ. جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور که مجازات آنها درجه پنج و بالاتر است. ت. ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال تظاهر، قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاصی که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود. ث. سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت هریک از جرائم مذکور باشد.

بدین سان، بازپرس در صورتی حق صادر کردن قرار بازداشت موقت دارد که جرم ارتكابی مشمول یکی از این بندها بوده و سایر شرایط پیش بینی شده در ماده ۲۳۸ نیز فراهم باشد. افزون بر این، تبصره ماده ۲۳۷ موارد صدور قرار بازداشت موقت اجباری را که به موجب شماری از قوانین خاص پیش بینی شده بود (به استثنای قوانین مربوط به نیروهای مسلح) لغو کرده است. بدین سان، قانون جدید از دامنه صدور قرار بازداشت موقت کاسته و موارد قرار بازداشت موقت را تنها در قانون آیین دادرسی کیفری مشخص کرده است.

در وهله دوم، مقررات جدید به منظور حفظ حقوق و آزادی های اشخاص، قرارهای جانشین بازداشت موقت را گسترش داده تا امکان استفاده از صدور قرار بازداشت موقت محدود شود. به موجب ماده ۲۱۷ این قانون، «به منظور دسترسی به متهم و حضور بموقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تحقیق در صورت وجود دلایل کافی و پس از تفهیم اتهام به وی، یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر می کند:

الف. التزام به حضور با قول شرف؛ ب. التزام به حضور با تعیین وجه التزام؛ پ. التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام؛ ت. التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف؛ ث. التزام به معرفی نوبتی خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مراجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام؛ ج. التزام مستخدمان رسمی کشوری با نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنها از سوی سازمان مربوط؛ چ. التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات؛ ح. اخذ کفیل با تعیین وجه کفاله؛ خ. اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول؛ د. بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی در وهله سوم، قرارهای نظارت قضایی برای نخستین بار در نظام حقوقی ایران و با هدف اصلاح و درمان متهم» پیش بینی شده اند. بر پایه ماده ۲۴۷، مقام قضایی می تواند «متناسب با جرم ارتكابی»، در کنار صدور قرار تأمین کیفری، قرار نظارت قضایی را برای مدت معینی صادر کند. بدین سان، مقام قضایی مجاز خواهد بود که در کنار قرارهای تأمین کیفری ده گانه مورد اشاره در ماده ۲۱۷، در صورت صلاحدید به صدور قرار نظارت قضایی اقدام کند. در این قانون، نظارت قضایی برخلاف حقوق فرانسه که نهادی مستقل و جانشینی برای بازداشت موقت است، تدبیری تکمیلی و فرعی در کنار سایر قرارهای تأمین کیفری است.

۴-۱-۳-۲) آگاه کردن خانواده

اجازه دادن ضابطان دادگستری به متهم برای ارتباط و تماس با خانواده و بستگان خویش، از حقوق اولیه متهم تحت نظر است که فرد می تواند نزدیکان و آشنایان خود را در جریان تحت نظر قرار گرفتن خویش بگذارد. اقدامات و تعیین الزامات قانونی برای مطلع کردن خانواده متهم از تحت نظر بودن وی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ اشاره نشده است و همواره اطلاع دیگری از دستگیری، تهدیدی برای دادرسی صحیح تلقی شده و متأسفانه قانون گذار ما هم نهایتاً در سال ۱۳۸۳ با تصویب قانون احترام به آزادیهای مشروع، این حق را به رسمیت شناخت.

بند ۵ این قانون مقرر می دارد: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر، پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند. بدیهی است تصدیق حق اطلاع خانواده دستگیرشدگان از دستگیری مظنون یا متهم، قابل تقدیر ولیکن به شدت ناکافی است. حق تماس و ارتباط با خانواده و بستگان از اموری است که باعث کاهش دهد.

امکان سوءاستفاده ضابطان از موقعیت خویش در اذیت و آزار متهم می شود و یا این امور را به حداقل می رساند؛ چراکه انتقال اطلاعات به بیرون از تحت نظرگاه با استفاده از این حق به سهولت انجام می پذیرد. قسمتی از ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: «والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنها اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است. البته این مقررات تکلیف اطلاع رسانی نیست، بلکه حق کسب اطلاع از جریان امور را مقرر نموده است که بهتر است مورد اصلاح قرار گیرد. قانون گذار در ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری آورده است: «شخص تحت نظر می تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلف اند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.» این ماده در خصوص مجرمان امنیتی و سیاسی بیشتر کاربرد دارد و برای جلوگیری از تبانی چنین مجرمانی ممکن است نتوانند با خانواده، بستگان و آشنایان خود در ارتباط باشند. (وروائی، بهرامی پور، ۱۳۹۴: ۲۸)

در ابتدای ماده ۴۹ چنین مقرر شده که به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادسرای محل اعلام می شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخ گویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است.» مواد ۴۹ و ۵۰ در راستای تضمین حقوق متهم تحت نظر و خانواده اوست. پیش بینی چنین مواردی از دستاوردهای نوین قانون حاضر است. با این تفاوت که ماده ۴۹ حاوی بیان تکلیف ضابطان به اعلام مشخصات فرد تحت نظر به دادسرا و حق بستگان وی برای اطلاع یافتن از وضعیت اوست.

ولی در ماده ۵۰، مقنن به ضابطان اختیار داده زمانی که تشخیص دهند شخص تحت نظر از چنین حقی نباید استفاده نماید، می توانند او را از حق یادشده محروم کنند. دادن چنین اختیاری بدون ضابطه مشخص، عملاً متهم را در بیشتر موارد از حقوق مقرر در صدر ماده

محروم می کند. هر چند در این مورد، طبق تصمیم خود نمی توانند متهم را برای تمام مدتی که تحت نظر است محروم نمایند، لیکن محدوده زمانی دستگیری متهم تا اخذ دستور از مقام قضایی (که ظاهراً منظور دادستان با قاضی کشیک است) مدت زمان کمی نبوده و به حد کافی موجب نگرانی خانواده وی خواهد شد. به نظر ما چنین حکمی منطقی نمی نماید. (سلیمی و بخشی زاده اهری، ۱۳۹۳: ۵۵) مگر اینکه موارد ضرورت را منصرف به موارد مذکور در تبصره ماده ۴۸^۱ بدانیم.

با عنایت به قسمت اخیر ماده ۴۹، با توجه به نوع جرم ارتكابی، در صورتی که پاسخگویی موجب خدشه دار شدن آبرو و حیثیت متهم شود، مانند جرائم منافی عفت و... مرجع قضایی تکلیفی در این خصوص نداشته و می تواند به درخواست افراد مذکور در باره آگاهی از سرنوشت متهم پاسخ منفی دهد^۲.

۲-۳-۲) حق بر دفاع

حق دفاع از مقدس ترین حقوق انسانی است که خود سر رشته حقوق انکارناپذیری می شود. حقوق متهم در مرحله پیشدادرسی از پیچیدگی و ظرافت خاصی برخوردار است. حمایت از حق دفاع متهم در دادرسی کیفری در حقیقت تضمین رعایت حقوق طبیعی اشخاص به ویژه حق حیات و آزادی ایشان است.

باتوجه به موقعیت ویژه امر تحقیق از متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی، بر حسب اصول دادرسی منصفانه قبل از شروع بازجویی، تضمینات دقیقی در حمایت از حقوق دفاعی متهمان در نظام های دادرسی کیفری پیش بینی شده است. قاضی تحقیق یا ضابطان دادگستری به نمایندگی از طرف وی یا به مباشرت در جرائم مشهود، مکلف به رعایت تضمینات هستند.

در نظام کیفری ایران در گذشته، به حقوق اولیه متهم توجه نشده بود، اما اخیراً گام هایی در جهت اصلاح این امور در نظام کیفری ایران برداشته شده است که از جمله آن قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ است که بسیاری از حقوق متهم را به رسمیت شناخته است. بنابراین از آنجا که رعایت حقوق متهم می تواند در رضایت مندی افکار عمومی و ترقی جامعه و رعایت حقوق بشر نزد جوامع بین المللی نقش نمایی کند، رعایت و تضمین آن در بازداشتگاه اوین بسیار ضروری است؛ که برخی مصادیق آن در ادامه طی چهار مورد ارائه می شود:

۱-۳-۲) حق داشتن وکیل

در آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ و ۱۳۸۷، حضور وکیل برای متهم، تنها و به صورت محدود، نزد بازپرسان و دادیاران تحقیق پیش بینی شده، ولی این امر در مرحله کشف جرم یعنی نزد ضابطان دادگستری پذیرفته نشده است. قانون جدید با پیروی از حقوق فرانسه، امکان حضور وکیل متهم را نه تنها نزد بازپرس، بلکه هنگام تحت نظر گرفتن نزد ضابطان قضایی نیز پذیرفته است.

امکان حضور وکیل در مدت تحت نظر قرار گرفتن، یکی از موضوع های مورد بحث میان حقوق دانان در نظام های مختلف است. ضابطان دادگستری با این استدلال که حضور وکیل، امکان کشف حقیقت را با مشکل روبه رو می سازد، حضور وکیل را در این مرحله ضروری نمی دانند. ماده ۴۸ قانون مصوب ۱۳۹۲، امکان ملاقات وکیل با شخص تحت نظر را به مدت یک ساعت و در ابتدای شروع تحت نظر قرار گرفتن، پیش بینی کرده است. در تبصره همین ماده درباره جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، محدودیتی پیش بینی شده است؛ بدین نحو که طرفین دعوا باید وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشند، انتخاب کنند. بی تردید، پیش بینی چنین مواردی در واقع به معنای اولویت دادن نظم عمومی و حمایت از جامعه است. انجام تحقیقات مجرمانه اولیه و سرعت عمل در حفظ دلایل آثار جرم و جلوگیری از آثار سوء جرم ارتكابی در جرمهای سازمان یافته و از همه مهم تر اهمیت این جرائم این محدودیت را توجیه می کند. پیروی از «رویکرد امنیت مدار» بر محرومیت حضور وکیل مدافع تا مدتی پس از شروع تحت نظر در جرائم مورد اشاره زیر عنوان «آیین دادرسی کیفری ویژه» در بیشتر نظام های آیین دادرسی کیفری از جمله فرانسه، به گونه ای که ملاحظه خواهد شد، پذیرفته شده است. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۱۷) البته این شکل محدودیت در اصلاحات سال ۱۳۹۴ از قانون حذف شد.

^۱ تبصره ماده ۴۸: اگر شخص به علت اتهام ارتكاب یکی از جرائم سازمان یافته با جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روان گردان و یا جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۳۰۲) این قانون تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد.

^۲ ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری: در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. و بند ۵ قانون حقوق شهروندی: اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می کند که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین شده است و ظرف مهلت مقرر، پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ دخالت وکیل را با الهام از حقوق فرانسه، بی درنگ پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن متهم مورد توجه قرار داده است.

در حقوق فرانسه، مدت ملاقات با وکیل ۳۰ دقیقه در ابتدای تحت نظر پیش بینی شده است. اگر مدت تحت نظر از ۲۴ ساعت تجاوز کرد شخص تحت نظر، حق ملاقات با وکیل خود را برای ۳۰ دقیقه دیگر دارد. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۱۸)

در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مدت ملاقات وکیل با شخص تحت نظر با رعایت حفظ اسرار حرفه ای حداکثر یک ساعت تعیین شده و برخلاف حقوق فرانسه، این مدت به دو زمان نیم ساعته تقسیم نشده است. با توجه به عبارت های به کار رفته در این ماده که تنها حق ملاقات ساده شخص تحت نظر با وکیل مدافع را پیش بینی نموده است، در نگاه نخست باید گفت که وکیل در این مرحله حق مطالعه پرونده را نداشته و نمی تواند در امر بازجویی دخالت کند. ولی بر پایه مقررات ماده ۶۱ این قانون، تمام اقدام های ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است. بدین سان با توجه به اینکه حق دخالت وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی (ماده ۱۹۰) و مطالعه پرونده کیفری توسط وی (ماده ۱۹۱) پیش بینی شده است، شخص تحت نظر نیز حقوق مورد اشاره در مرحله تحت نظر را دارد. با وجود اینکه این منظور رعایت الزام های مربوط به نظم و امنیت عمومی، وکیل شخص تحت نظر، حق افشای اطلاعات مربوط به مطالعه صورت جلسات پرونده های تحقیقاتی را نخواهد داشت.

ماده ۴۸ یادشده، از ضرورت تفهیم حق داشتن وکیل به متهم در ابتدای مرحله تجدیدنظر سخنی به میان نیاورده است. با وجود این به نظر می رسد که داشتن حق ملاقات با وکیل باید در ابتدای تحت نظر به شخص تفهیم شود؛ زیرا بر پایه ماده ۵۲ این قانون، «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلف اند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید را دریافت و ضمیمه پرونده کنند. افزون بر این، در راستای اجرای مقررات ماده ۶۱، ضابطان نیز همانند بازپرس (ماده ۱۹۰) مکلف اند که حق داشتن وکیل را به شخص در آغاز مرحله تجدیدنظر تفهیم کنند.

عدم تفهیم این حق توسط ضابطان دادگستری در شروع تحت نظر در قانون جدید، ضمانت اجرا ندارد و ضابطان را حتی با محکومیت موقت انفصال خدمت موضوع ماده ۶۳ این قانون روبه رو نمی سازد.^۱ این پرسش درباره ماده ۴۸ مطرح است که آیا آگاه کردن شخص تحت نظر از این حق و دعوت وکیل کافی است و ضابطان می توانند قبل از رسیدن وکیل، بازجویی خود را آغاز کنند؟ ضابطان بر اساس این ماده فقط مکلف به تماس با وکیل شخص تحت نظرند، ولی تکلیفی در مورد نتیجه این تماس یعنی حضور یا عدم حضور وکیل در این ماده بیان نشده است؛ زیرا وکیل گاهی امکان مراجعه به کلانتری را نداشته و گاهی تمایل به این کار ندارد.

بر پایه ماده ۴۸، وکیل در پایان مدت تحت نظر می تواند ملاحظه های کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه کند. این ملاحظه ها می تواند درخواست استماع اظهارات شاهد یا انجام بازرسی و حتی اظهارات درباره وضعیت سلامتی موکل خود باشد. نکته دیگر اینکه وقتی ضابطان پس از آگاه ساختن وکیل، مبادرت به بازجویی از شخص تحت نظر می کنند، مکلف اند که به محض رسیدن وکیل وی، بازجویی را متوقف و امکان ملاقات او با شخص تحت نظر را فراهم کنند؛ زیرا با حضور وکیل، امکان ملاقات وی با شخص فراهم گشته و هر گونه تأخیر در اجرای حق مذکور، یک امر استثنایی تلقی می شود و نیازمند دستور کتبی و موجه دادستان است.

افزون بر این در مواردی که شخص تحت نظر قرار می گیرد و پس از ملاقات با وکیل خود آزاد می شود ولی دوباره برای همان اتهام تحت نظر قرار می گیرد یا اینکه مدت تحت نظر تمدید می شود، حق ملاقات دوباره این شخص با وکیل خود در ابتدای مرحله تجدیدنظر به قوت خود باقی خواهد بود. در تأیید این نظر می توان گفت که تحت نظر قرار گرفتن دوباره متهم، مرحله ای جدید است که در این مرحله هم متهم از همه حقوق دفاعی خود از جمله حق ملاقات با وکیل برخوردار است. سرانجام، وکیل شخص تحت نظر می تواند در آغاز تحت نظر به گونهای خصوصی با موکل خود ملاقات و مذاکره کند و از علت اتهام آگاه شود و ضابطان با توجه به محرمانه بودن این ملاقات، حق حضور و دخالت در این مدت را نخواهند داشت. در عمل، ضابطان باید محلی را به منظور ملاقات خصوصی در اختیار شخص تحت نظر و وکیل وی قرار دهند. بی تردید رعایت حقوق متهم در این مرحله، بستگی به آموزش های خاص انتظامی و قضایی ضابطان دادگستری و آگاهی آنان نسبت به مقررات آیین دادرسی کیفری در مرحله کشف جرم دارد. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۲۰)

هنگامی که جرمی به وقوع می پیوندد و ضابطان قضایی در جریان امر قرار می گیرند، اقدامات لازم در جهت حفظ آثار و دلایل جرم، شناسایی و دستگیری متهم و مظنون انجام می دهند. با دستگیری مظنون، در جریان جرائم مشهود، قانون گذار این اختیار را به موجب ماده ۴۶ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ به ضابطان داده است تا چنانچه نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند؛ لیکن در هر

^۱ به موجب ماده ۶۳ «تخلف ضابطین دادگستری از مقررات مواد ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۹، ۱۴۱ این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.»

حال نمی توانند بیش از ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر نگه دارند. از آنجا که رسالت عمده آیین دادرسی کیفری، برقراری توازن، تعادل و آشتی میان مصالح و منافع جامعه از یک طرف و حقوق و آزادی های فردی از سوی دیگر می باشد و حال آنکه مصالح جامعه ایجاب می کند تا آزادی رفت و آمد شخص تحت نظر^۱ - هرچند به صورت موقت - سلب شود، ضروری است از دیگر حقوق وی به طریق مطمئنی محافظت شود؛ زیرا تا زمان صدور حکم قطعی علیه شخص تحت نظر، وی در پناه اصل برائت قرار دارد و همین امر ایجاب می کند تا وکیل در معیت شخص تحت نظر، با اتکا به دانش و تجربه حقوقی خود، وی را از حقوقش آگاه سازد. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۲۲)

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، با هدف توافقی نمودن تحقیقات مقدماتی، نوآوری هایی را در مورد حق متهم برای داشتن وکیل پیش بینی کرده است که در زیر به آنها اشاره می شود.

قانون جدید، حضور وکیل را در مرحله تحقیقات مقدماتی و دفاع وی از متهم را بی قید و شرط پذیرفته است. بر پایه ماده ۱۹۰ این قانون، «متهم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیقات توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود، این حق در برگه احضاریه قید و به وی ابلاغ می شود. وکیل متهم می تواند با کسب اطلاع و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم با اجرای قانون لازم بداند اظهار کند.» اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می شود.

در این قانون، محدودیت های مربوط به حق دفاع متهم از جمله منع ورود وکیل در موضوع هایی که جنبه محرمانه دارند یا به تشخیص دادرسی موجب فساد می شوند و نیز جرم های ضد امنیت کشور که در (تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری^۲ ۱۳۸۷ پیش بینی شده اند) حذف شده است و متهمان می توانند به شکل مطلق در تحقیقات مقدماتی نزد بازپرس، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد.

ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ فقط حضور وکیل در بازپرسی را پذیرفته و وی را از هرگونه دخالت در تحقیق منع کرده بود. چنانچه وکیل، توضیح یا ادای مطلبی را ضروری تشخیص می داد، می توانست آن را در پایان تحقیقات توضیح دهد و باز پرس مکلف به درج آن در صورت جلسه تحقیقات شده بود.

قانون جدید در جهت تأمین حقوق متهم و توافقی شدن تحقیقات مقدماتی، مداخله فعال وکیل را در امر تحقیق پذیرفته است. در این چارچوب، ماده ۱۹۰ این قانون با حذف عبارت «... وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امر تحقیق و پس از خاتمه تحقیقات، مطالبی را که برای کشف و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم است بداند، به قاضی اعلام کند...» وکیل را مجاز دانسته که با آگاه شدن از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم با اجرای قانون لازم بداند، در طول مدت تحقیق الیهار کند

وانگهی تبصره ماده ۱۹۵ این قانون، حق دخالت وکیل در امر تحقیق را آشکارا یادآوری کرده است: «وکیل متهم می تواند در صورت طرح سوالات تلقینی با سایر موارد خلاف قانون به باز پرس تذکر دهد.» بدین سان، قانون جدید با پیش بینی حق دخالت کامل وکیل در این مرحله از یک سو از سری بودن تحقیقات نسبت به متهم کاسته و از سوی دیگر به توافقی بودن تحقیقات که از ویژگی های نظام اتهامی به شمار می رود، افزوده است.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با الهام از قوانین برخی کشورها مانند فرانسه، بازپرس را مکلف به تفهیم حق داشتن وکیل به متهم کرده است. ماده ۱۹۰ این قانون با عبارت به این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط باز پرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. بر لزوم تفهیم این حق به متهم تأکید کرده است. و با وجود این، در مواردی که متهم وکیل معاضدتی درخواست کننده بازپرس مکلف به تعیین وکیل از طریق کانون وکلان نشده است. به نظر می رسد که مواد ۲۵ و ۶۴ این قانون به عنوان اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری حق دسترسی به وکیل و فراهم کردن ساز و کارهای راییت و تأمین این حق را در همه مرحله های کیفری پیش بینی کرده است بدین سان، باید حق متهمان مبتنی بر داشتن وکیل رایگان را در این مرحله نیز به رسمیت شناخت. افزون بر این، خبرگان قانون اساسی در چارچوب اصل سی

^۱ ماده ۲۴ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ و ماده ۴۶ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، شخص دستگیر شده در جریان جرائم مشهود را «متهم» خطاب می کنند، در حالی که اطلاق این عنوان صحیح به نظر نمی رسد؛ چرا که متهم کسی است که دلایل اتهامی علیه او توسط مقام قضایی به او تفهیم شده باشد. هرچند در این دو ماده، تفهیم اتهام از سوی ضابطان پیش بینی شده است، این امر صرفاً برای در جریان قرار گرفتن شخص تحت نظر از علت سلب آزادی اش می باشد و تفهیم اتهام اصطلاحی مذکور در ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ نمی باشد.

^۲ تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی مقرر می دارد: «در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرائم علیه امنیت ملی کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود.»

^۳ ماده ۵: «متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود.»

^۴ ماده ۶: «متهم و بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق این حقوق فراهم شود.»

و پنجم و نویسندگان قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۲) در قسمت ۷ بند (ز) ماده ۱۳ به دخالت وکیل و تهیه ساز و کارهای تعیین وکیل رایگان برای متهمان در تمام مراحل فرایند کیفری تأکید کرده اند. (نیازپور، ۱۳۹۲: ۹۳)

۲-۲-۲-۲) حق مطالعه پرونده کیفری

نظام کیفری ایران اکنون به علت تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی، حقوق دفاعی قابل توجهی را برای متهم پیش بینی نکرده است. برای مثال، در این مرحله نه فقط حق استفاده از پرونده تحقیقات مقدماتی به وسیله وکیل پیش بینی نشده بود، بلکه هیچ گونه الزام قانونی برای قاضی تحقیق در مورد پذیرش درخواست وکیل برای انجام تحقیق خاصی که به کشف حقیقت کمک می کند وجود نداشت. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بر جنبه های توافقی تحقیقات مقدماتی افزوده است. ولی این امر فقط از گذر امکان دسترسی متهم و وکیل وی به پرونده کیفری رعایت شده است و حق درخواست هر اقدام و تحقیقی که به کشف حقیقت کمک کند، به عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم و شاکی، مورد نظر قرار نگرفته است.

حق دسترسی متهم به پرونده کیفری از طریق وکیل از مهم ترین جلوه های دادرسی منصفانه به شمار می آید. این حق که به توافقی شدن تحقیقات مقدماتی منجر می شود، امکان تدارک دفاعی مناسب برای متهم و وکیل وی را فراهم می سازد. در گستره سیاست جنایی ایران، ابتدا ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ در حالی که حق حضور در مرحله تحقیقات مقدماتی و گرفتن کپی از اوراق پرونده را برای بزه دیده در نظر گرفته بود، متهم را از این امتیاز مهم محروم نموده بود. در واقع، هر چند این ماده درباره حق دسترسی بزه دیده به پرونده ساکت بود، رویه قضایی با تفسیر گسترده این مقررات به نفع وی، چنین حقی را برای بزه دیده قائل شده بود.

پس از انقلاب اسلامی، ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری از یک سو با افزودن «قید منافی با محرمانه بودن تحقیقات» و از سوی دیگر، حذف قید حق «حضور در تحقیقات»، حدود و اختیارات شاکی در مورد دسترسی به اوراق پرونده را محدود کرده است. از نظر برخی از حقوق دانان، این تغییرها در جهت رعایت برابری میان طرفهای دعوا نیست بلکه با هدف سری کردن هر چه بیشتر تحقیقات مقدماتی صورت گرفته است. برعکس بر پایه اکثریت اعضای کمیسیون معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، محدود کردن این اختیارات در جهت رعایت برابری میان طرف دعواست. بدین ترتیب، شاکی خصوصی در خصوص دسترسی به پرونده حقهایی دارد که معادل آنها برای متهم وجود نداشت.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای اولین بار در جهت رعایت برابری طرفهای دعوا، مطالعه پرونده قبل از هر تحقیق توسط متهم و وکیل وی را مجاز شمرده است. بر پایه ماده ۱۹۱ این قانون «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم گیری کند».

بدین ترتیب، مطالعه یا دسترسی متهم به پرونده، چنانچه با ضرورت کشف حقیقت منافات نداشته باشد یا موضوع از جرمهای علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور نباشد، امکان پذیر است. با وجود این، امکان جلوگیری از مطالعه پرونده توسط وکیل متهم، هنگامی مقدور است که بازپرس با ذکر دلیل قرار عدم دسترسی به اوراق پرونده را صادر نماید و این قرار پس از اعتراض متهم یا وکیل وی در دادگاه صلاحیت دار تأیید شود.

بی تردید، این مقررات به منظور تحقق بخشیدن به هدف آیین دادرسی کیفری، ایجاد توازن در ضرورت کشف حقیقت (مصلحت کیفری) و حق داشتن وکیل (مصلحت اجتماعی) پیش بینی شده است. همچنین، به موجب این مقررات در حقوق فرانسه، وکیلان طرفهای دیگر دسترسی محدود به پرونده را ندارند، بلکه دارای امکان دسترسی همه وقت و همیشگی به پرونده را دارند. وانگهی، دسترسی وکیلان به کل پرونده و همه اوراق و محتویات آن مربوط است. بنابراین نمی توان وکیلان طرفهای را از مطالعه برخی از اوراق پرونده منع کرد. بر پایه نظر دیوان عالی کشور فرانسه، اگر از تاریخ مطالعه پرونده تا تاریخ بازجویی، اوراق جدیدی به پرونده افزوده شود، بازپرس بدون آگاه کردن ذی نفع یا وکیل وی از این اوراق یا بدون رضایت آنان نمی تواند به آنها استناد کند. از منظر رویه قضایی، انجام ندادن این تکلیف، بطلان تحقیقات مقدماتی را به همراه خواهد داشت. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۲۵)

۲-۲-۲-۳) حق سکوت

حق برخورداری از محاکمه منصفانه و تضمین حداقل حقوق دفاعی متهمان در مراحل مختلف دادرسی، از جلوه های بارز نظام دادرسی در سطح حقوق داخلی و بین المللی بوده که در سالیان اخیر مورد استقبال و توجه جدی حقوق دانان و قانون گذاران قرار گرفته است. انعکاس این حق را باید در اصل مترقی و پیشرفته «برائت» به عنوان میراث مشترک حقوق همه ملل پیشرفته جهان جستجو کرد. و بر این اساس، تمامی شهروندان زمانی که به عنوان متهم در پیشگاه قضا قرار می گیرند، از یک سری حقوق و تضمینات دفاعی در سایه اصل برائت برخوردارند که مجموعه ارکان نظام حاکم موظف و مکلف به رعایت این حقوق هستند. وقتی شخصی در مظان اتهام قرار می گیرد،

تکلیف قضات تحقیق و مأموران استنطاق آن است تا در نهایت بی طرفی و با لحاظ جمیع شرایط و تضمینات حقوق دفاعی متهم، به جمع آوری و تحصیل دلیل بپردازند. این بدان معناست که اصولاً متهم وظیفه ای ندارد تا جهت رفع اتهام از خود، دلیل ارائه کند و این مراجع تحقیق هستند که باید دلایل مثبت بزهکاری فرد مظنون را از طرق و مجاری قانونی به دست آورند.

هیچ کس را نباید به اقامه دلیل ضد خویش وادار ساخت.^۱ بر اساس نظریه «بزه پوشی» برآیند موازین و معیارهای شرعی این است که در باب حدود، به ویژه درباره جرائمی که جنبه حق الهی دارند، سکوت اختیار کردن از سوی متهم نه تنها حق، بلکه تکلیف متهم است. عدم افشای جرم در اسلام و حق سکوت امری اخلاقی است. این در جایی است که شخص واقعه مرتکب جرم شده و خود از آن آگاه است و می بایست از اظهار جرم و اقرار به ارتکاب آن خودداری ورزد؛ به طریق اولی در مواردی که جرم مرتکب نشده و تنها اقدامی به او انتساب داده شده، از این حق برخوردار خواهد بود. هر چند در مقابل این نظریه عده ای اعتقاد دارند و بر این باورند که متهم مکلف به اظهار واقعیت و اقرار به ارتکاب جرم است و باید این تکلیف را انجام دهد؛ پس اگر از این تکلیف سرباز زند، حاکم می تواند او را مجبور کند.

در اسناد بین المللی به ویژه معاهدات حقوق بشری، به این حق متهم که بتواند آزادانه از قدرت انتخاب خود برای پاسخگویی سؤالات و امتناع از آن استفاده کند، عنایت شده است. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی یکی از اسنادی است که در آن به حق سکوت متهم تصریح شده است. به موجب مواد ۵۵ و ۶۷ اساسنامه مزبور، متهم مجبور به ادای شهادت یا اعتراف به مجرمیت نیست و می تواند سکوت اختیار کند، بدون اینکه این سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی گناهی او داشته باشد. بدین ترتیب عدم اجبار متهم به اعتراف یا شهادت و حق سکوت نزد مقامات انتظامی و قضایی در حقوق بین الملل به یک قاعده عرفی تبدیل شده است و همه دولتها مکلف به رعایت آن هستند.

حق سکوت به صراحت در قانون اساسی مطرح نشده است، اما اصولی از قانون اساسی به طور ضمنی در مراحل بازجویی و دادرسی اشاره دارند. اصل عدم تفتیش عقیده، اصل براءت و اصل منع شکنجه در ارتباط با حق سکوت و توجیه کننده این حق دفاعی هستند.

وفق بند ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، حق سکوت محدود به سؤالات غیر مشروع و نادرست شده است، در حالی که به نظر می رسد حق سکوت اعم از این گونه سؤالات است و در مورد سؤالات مشروع و در جهت حفظ حقوق متهم جاری است.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۱۹۷ به حق سکوت اشاره کرده است که البته در زمینه اعلام و تفهیم حق سکوت برای مقامات تحقیق و بازجویی، به صراحت تعیین تکلیف نکرده و از عبارت مرقوم در ماده ۱۹۷ نمی توان تکلیف به اعلام حق سکوت از سوی قضات تحقیق و ضابطان دادگستری را استنباط کرد.

در خصوص حق سکوت سه موضوع است که باید مورد توجه قرار گیرد؛ حق سکوت، تکلیف به اعلام یا تفهیم آن و ضمانت اجرای بطلان دلایل مترتب بر بازجویی بدون تفهیم حق سکوت، که در قانون آیین دادرسی تنها حق سکوت در ماده ۱۹۷ تصریح شده است و تکلیف بر اعلام یا تفهیم آن و پیش بینی ضمانت اجرا برای آن هنوز مسکوت است که هرچند اشاره مستقیم به حق سکوت گام مثبتی در جهت پاسداشت کرامت انسانی متهم است، به هر حال این نواقص هم وجود دارد.

۴-۲-۳-۲) منع اجبار متهم

داشتن اراده مانند عقل و آزادی از ویژگیهای ذاتی و بارز انسان است و هیچ امری نباید این ویژگی ها را زیر سؤال ببرد و هرگونه امری که وجود این اوصاف را زیر سؤال ببرد با ضمانت اجرای بطلان مواجه خواهد بود. همان گونه که قبلاً گفته شد، انسان ذاتاً کرامت مند است. پس به هیچ عنوان حتی در صورتی که متهم هم باشد، نباید هیچ رفتاری اعم از لفظ و عمل موجب خدشه دار شدن این کرامت شود. پس هیچ مأموری حق گفتن هیچ لفظی را که دال بر خفیف کردن شخصیت متهم است، نمی تواند به زبان آورد. مجرم بودن و متهم بودن شخص دلیلی برای سخیف شمردن شخصیت وی نیست.

ماده ۶۰ مقرر می دارد: در بازجویی ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت مجلس قید شود و به امضا یا اثر انگشت متهم برسد.

اصل ۳۸ قانون اساسی اشعار می دارد: هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می شود.

ماده ۷ ق.آ.د.ک. نیز در تمام مراحل دادرسی کیفری رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی را که در فرایند دادرسی مداخله دارند،

^۱ لایجیر الانسان علی تقدیم الدلیل ضد نفسه.

الزامی می دارد. در این خصوص بند ۸ این قانون مقرر داشته است: «هر گونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

بند ۱۰ این ماده واحده نیز اعلام میدارد: «... هر گونه تحقیقات و بازجویی ها باید مبتنی بر اصول و شیوه های علمی قانونی و آموزشهای قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش های خلاف آن متوسل شده اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

پس از حضور متهم نزد مرجع تحقیق، نوبت به بازجویی و شروع تحقیقات از متهم میشود. در این راستا سؤالاتی از متهم پرسیده می شود که به کشف حقیقت و روشن شدن موضوع کمک می کند. بازپرس یا دادیار با تهیه یک سری پرسش ها و تنظیم ترتیب آنها سعی خواهد کرد که امکان گمراه نمودن مرجع تحقیق را از متهم سلب و راه وصول به هدف فوق را هموار نماید؛ اما مرجع تحقیق در این امر آزادی مطلق نداشته و در خصوص رعایت کرامت انسانی متهم نمی تواند پرسش های جهت داری مطرح سازد که متنها متهم را به دادن پاسخ معینی هدایت کند و از طرح پرسشهای تلقینی ممنوع گردیده است. همچنین مطابق ماده ۶ قانون حفظ حقوق شهروندی «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق از ایداع افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان اجتناب گردد. همچنین طبق بند ۷ این قانون «بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت با نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلا اقدام های خلاف قانون خودداری ورزند.» همچنین در بند ۱۱ قانون مذکور گفته شده: «پرسش ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

در ذیل ماده با توجه به اهمیت بازجویی و امکان تضییع حقوق فرد متهم در این مرحله مقرر داشته که تاریخ، زمان (ساعت) و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت مجلس قید شود و به امضا و اثر انگشت متهم برسد.

با توجه به اهمیت این موضوع در ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر شده: اقرار که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی و جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد اخذ نماید.

۳-۳-۲) حق بر سلامت جسمانی

حق معاینه پزشکی از جمله حقوقی است که برای اولین بار مورد تأکید مقنن ایران قرار گرفته است و در واقع از دیگر موارد نوآوری های قانون گذار در قانون جدید می باشد که به منظور ثبت و ضبط وضعیت جسمانی و روانی شخص تحت نظر است؛ که البته منوط به درخواست شخص تحت نظر یا خانواده اوست و تکلیف و الزامی برای انجام آن نیست. در کل این امر برای پیشگیری از سوءرفتار با متهم مفید است.

ماده ۵۱: بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تأیید دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می شود.

البته این قانون دچار کمبودها و نواقصی هست؛ مثلاً در مورد مسئول پرداخت هزینه معاینه متهم توسط پزشک ساکت است؛ در حالی که در این موارد، پزشک استحقاق دریافت حق الزحمه (یا حق ویزیت) را دارد. با سکوت قانون و فقدان مجوزی صریح برای پرداخت وجهی از این بابت از اعتبارات قوه قضاییه، می توان گفت که پرداخت هزینه معاینه توسط پزشک بر عهده کسی است که از این خدمات استفاده می کند (یعنی متهم). این راه حل مغایرتی با حکم ماده ۵۶۰ ندارد؛ زیرا اولاً هزینه مزبور تحمیلی نیست، بلکه به درخواست متهم ایجاد شده است؛ ثانیاً هزینه متهم در این فرض جزئی از هزینه های اجتناب ناپذیر پیشبرد فرایند کیفری توسط مراجع قضایی نیست. بنابراین اطلاق قسمت اخیر ماده ۵۶۰ را نیز باید با توجه به عبارات صدر آن ماده محدود به هزینه هایی دانست که از اجرای تشریفات دادرسی ناشی می شود. (خالقی، ۱۳۹۴: ۷۳)

یا مثلاً بهتر بود در راستای توجه به کرامت انسانی متهم، وضعیت سلامت جسمانی وی بیشتر مورد توجه قرار می گرفت. یعنی باید در مورد بهداشت محیط بازداشتگاهها هم صحبتی به میان آورده می شد که حداقل امکانات آن باید در چه حد باشد یا وضعیت نور و دمای محیط به چه اندازه و به چه نحو باشد یا بهداشت شخصی افراد تحت نظر و لباس آنان اصلاً مورد اشاره قرار نگرفته است. متأسفانه این موارد از مسائل بدیهی در رابطه با اصول کرامت انسانی است ولی ظاهراً مورد توجه قانون گذار نبوده است؛ در حالی که قانون باید به مانند لباس با تمام ویژگی های انسان همخوانی داشته باشد و در واقع قانون باید بر مبنای انسان و کرامت او نگارش یابد.

۴-۳-۲) حق بر حفظ حیثیت و حریم شخصی

هر انسانی برای خود دارای حریم خصوصی و اسراری است که آنها را حفظ کرده و مانع از دسترسی دیگران به آنها می شود. در حفظ حیثیت و کرامت انسانی تردیدی نیست که هیچ اصلی به این اندازه مهم نیست و حیثیت و آبروی افراد متهم از حقوق ذاتی آنان است که

در مرحله تحت نظر قرار گرفتن باید محترم شمرده شود و هیچ مقامی حق هتک حرمت او را ندارد. بنابراین برای حفظ کرامت انسانی شخص تحت نظر باید وجدان را به عنوان تنها محکمه بی نیاز از قاضی همچون داوری عادل دانست. حق حفظ حیثیت و آبرو از حقوق دیگری است که برای متهم تحت نظر باید به آن توجه ویژه داشت. لذا ضابطان دادگستری و پلیس باید در انجام وظایف قانونی خود برای متهم تحت نظر همواره حرمت انسانی آنان را مدنظر داشته باشند و از ارتکاب رفتارهای غیرقانونی نسبت به آنها به جد بپرهیزند. پس ضابطان باید در هر عرصه و هر گامی که بر می دارند مراقب رفتار و گفتار خویش باشند. آنچه مهم است رعایت عدالت در حفظ حرمت متهم به عنوان انسانی با کرامت است. پیامبر اکرم(ص) مأمور بودند در مورد یهودیان نیز عدالت را رعایت کنند. در اسلام نظام های اخلاقی و حقوقی با همدیگر پیوند دارند. پلیس عادل و مورد وثوق مردم وقتی از ارزش و کافی برخوردار است که بتواند بین دو حق، یعنی حق جامعه که از جرم متضرر شده از یک سو و حق انسانی که فعلا به عنوان متهم شناخته شده است از سوی دیگر، تعادل ایجاد کند. در حقوق اسلامی، حیثیت و کرامت و شخصیت فردی و اجتماعی متهم تحت نظر که قطعاً در مرحله تحقیقات مجرم نیست و در مظان اتهام قرار دارد، باید رعایت گردد و از هتک حرمت وی به هر دلیلی به جد امتناع شود؛ زیرا حقوق اسلامی یک حقوق مترقی و متکامل و جامع است.

۱-۴-۳) ممنوعیت ورود به منازل

از گذشته در اجتماعات بشری، خانه و محل اقامت اشخاص محترم و مصون از تعرض بوده است. مصونیت منزل مکمل امنیت تمامیت جسمانی شخص است؛ به طوری که امنیت شخصی که شامل جان و مال فرد می شود، وقتی تأمین است که خانه شخصی نیز مصون از تعدی و تجاوز باشد و هیچ کس نباید بتواند بدون اجازه صاحبخانه وارد منزل او شود یا خانه وی را بدون اجازه مقامات قضایی و بدون رعایت تشریفات قانونی مورد بازرسی قرار دهد.

پس همان گونه که گفته شد، یکی از حقوقی که انسان ها باید از آن برخوردار باشند، مصون بودن مسکن آنها از هرگونه تعرض می باشد که در اصل بیست و دوم جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

رعایت حریم خصوصی اشخاص در خانه های آنان در آموزه های اخلاقی و دینی نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ از جمله قرآن مجید از ورود به خانه های دیگران بدون کسب اجازه از آنها منع کرده است^۱.

متهم تا زمانی که به موجب حکم قطعی دادگاه کیفری محکوم نشده است، در پناه اصل برائت قرار دارد و نمی توان وی را مجرم دانست. در این شرایط، حمایت از حقوق شهروندان ایجاب می کند که در رفتار با آنها موازین عادلانه و قانونی رعایت شود. در مرحله تحقیقات مقدماتی ممکن است در تحقیقات و بررسی های مربوط به یک جرم، نیاز به ورود به منازل شهروندان و تفتیش و بازرسی باشد. در چنین شرایطی همواره باید اصل برائت و حفظ حقوق متهم مورد توجه باشد. یکی از مهم ترین اقدامات قضایی در جمع آوری دلایل، کشف، ضبط اشیاء، اموال و وسیله جرم و یا وسایل تحصیل شده از جرم، تفتیش و تفحص منزل و سایر مکان هایی است که مرتکب جرم از آنها برای پنهان کردن وسایل مزبور استفاده می کند. این اقدامات امکان انجام همه مشاهدات مفید را برای بازپرس فراهم می کند. در تفتیش منزل باید بین حقوق افراد (اصل مصونیت مسکن) از یک سو و حقوق جامعه (اصل کشف حقیقت) از سوی دیگر توازن برقرار کرد. حقوق دانان بین ورود به منزل به منظور دستگیری متهمان و ورود با هدف تفتیش و تفحص در آن تفکیک قائل شدند. در صورت نخست، مشاهده، بررسی و احیاناً دستگیری متهم در نظر است و حال آنکه در تفتیش و تفحص، ورود همراه با جستجوی دقیق عناصر دلیل، جابه جایی اشیاء و اقدامات دیگری که ممکن است نظم مکان را بر هم زند، توأم است.

ماده ۵۵ چنین مقرر می دارد: ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیر مشهود، با اجازه موردی مقام قضایی است؛ هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد^۲.

مفهوم این ماده اشاره به حق خلوت و حفظ حریم شخصی دارد، که حتی اگر اجرای تحقیقات به طور کلی به ضابط ارجاع شده باشد هم مجوز این نیست که در جرائم غیر مشهود ضابط مجاز به تعرض نسبت به این حق باشد.

همچنین حریم بدن انسان نیز دارای حرمت است، لذا بازرسی اشخاص توسط ضابطان نیز طبق این ماده دارای محدودیت است. ماده ۵۶ را هم می توان یک ضمانت برای اجرای این ماده در نظر گرفت.

انتظار می رفت مقنن در قانون جدید، ضمانت اجرای دقیق تری برای این موضوع پیش بینی کند. حداکثر اقدامی که از مقنن در قانون جدید دیده می شود، جایگزینی عبارت اجازه موردی^۳ به جای عبارت «اجازه مخصوص» از یک طرف و از طرف دیگر، پیش بینی ماده ۵۶

^۱ آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور.

^۲ ضمانت اجرای این ماده در ماده ۶۳ آمده است.

تحت این عنوان است که ضابطان دادگستری مکلف اند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان های غیر مرتبط با موضوع خودداری کنند^۱.

طبق مفهوم مخالف این ماده، بازرسی بدنی اشخاص یا تفتیش اشیاء و اماکن یا ورود به منزل در جرائم مشهود اقداماتی هستند که نیاز به حکم مقام قضایی ندارند و مشهود بودن جرم و ضرورت دخالت فوری ضابطان آن را توجیه می کند. اما در جرائم غیر مشهود که ماده فوق ناظر به آن است، ضابطان دادگستری حق انجام اقدامات مذکور را نداشته و برای این امور اجازه موردی «مقام قضایی لازم است. منظور از اجازه موردی نیز، دستور صریح مقام قضایی با ذکر نام متهم یا ذکر نشانی مکان موردنظر است. (خالقی، ۱۳۹۴: ۷۵)

در نتیجه این امر، مقامات قضایی از صدور دستورات کلی و فاقد مشخصات شخصی و زمانی و مکانی تحقیقات ممنوع می باشند که تخلف از آن مطابق ماده ۶۳ تخلف محسوب می شود تا مانعی برای تعرض به حقوق متهم در این زمینه ایجاد شود. پس در کل، مقام قضایی حق چنین دستور کلی برای امر معین را ندارد.

۲-۳-۴-۲) داشتن حکم ورود به محل اخفای متهم

همان گونه که قبلاً ذکر شد، یکی از ملزومات کرامت انسانی متهم، حفظ حریم خصوصی اوست. در این خصوص ماده ۱۸۴ اشعار میدارد: در صورتی که متواری بودن متهم به نظر بازپرس محرز باشد، برگه جلب با تعیین مدت اعتبار در اختیار ضابطان دادگستری قرار می گیرد تا هرجا متهم را یافتند، جلب و نزد بازپرس حاضر کنند.

تبصره ۱: چنانچه جلب متهم به هر علت در مدت تعیین شده میسر نشود، ضابطان مکلف اند علت عدم جلب متهم را گزارش کنند.

تبصره ۲: در صورت ضرورت، بازپرس می تواند برگه جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطان حوزه قضایی مربوط متهم را جلب کنند و تحویل دهند.

تبصره ۳: در صورتی که متهم در منزل یا محل کار خود یا دیگری مخفی شده باشد، ضابطان باید حکم ورود به آن محل را از مقام قضایی اخذ کنند.

تبصره ۳ این ماده نیز از نوآوری های قانون جدید بوده و در مسیر حفظ حقوق خصوصی افراد و حفظ حرمت منزل یا محل کار آنها پیش بینی شده است. ابلاغ برگه جلب متهم و جلب نمودن وی مستلزم یافتن اوست و برای این امر مأموران باید به محل اقامت وی مراجعه کنند. با این حال، برگه جلب مجوز ورود به محل اقامت متهم نیست و اگر نشانی تعیین شده، یک مکان عمومی نباشد و متهم در آن محل مانده و از همراه شدن با مأموران امتناع ورزد، ورود به محل مذکور مستلزم صدور مجوز لازم برای این امر از سوی مراجع قضایی است.

موضوع ماده فوق جلب سیار است، اما بر خلاف قانون سابق که امکان صدور این نوع برگ جلب را به شرطی پیش بینی کرده بود که «متهم غایب باشد»، قانون حاضر این امر را منوط به این نموده است که «متواری بودن متهم به نظر بازپرس محرز باشد». این تغییر جواز صدور برگ جلب سیار را محدود ساخته و مانع از آن خواهد شد که شاکی برخلاف حقیقت و به منظور تحصیل این برگ از محل اقامت متهم اظهار بی اطلاعی نماید. (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۷۶)

این اقدام قانون گذار را می توان یک اقدام مثبت برای حفظ حقوق متهم و کرامت وی دانست و در واقع تا حدی توانسته است جلو سوءاستفاده سایر کنشگران نظام کیفری را بگیرد.

متواری بودن «غیر از غیبت یا عدم حضور است؛ زیرا غیبت یا عدم حضور ممکن است دلیل دیگری غیر از متواری بودن داشته باشد. متواری کسی است که به منظور عدم دسترسی مقامات قضایی و انتظامی به خود از محل اقامت معمولی اش خارج شده و به مکانی که برای برخی از نزدیکانش نیز نامعلوم است، نقل مکان کرده باشد.

استثنایی بودن جلب اشخاص که برخلاف اصل آزادی است و به ویژه تسلیم برگ جلب به شاکی خصوصی ایجاب می کند که باز پرس در اجرای این ماده و تبصره های آن خود را محدود به عبارات متن قانونی نماید. پس حتی تسلیم برگه جلب سیار به کفیل یا وثیقه گذاری که برای حاضر نمودن متهم در خواست آن را می نماید، هم ممنوع است. فقط در تبصره ۲ گفته شده که اگر متهم متواری باشد، چون در این گونه مواقع کمک شاکی به دلیل ذی نفع بودن وی در یافتن متهم بسیار مؤثر واقع می شود، در صورت ضرورت باز پرس می تواند برگه جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا در صورت مشاهده متهم یا اطلاع از محل اقامت او با تسلیم برگه جلب به ضابطان حوزه قضایی مربوط و معرفی متهم، ضابطان متهم را جلب کنند و تحویل دهند.

پس در راستای حفظ حقوق متهم باید در اجرای این گونه موارد دقت کرد و مجریان آن باید محدود به عبارات قانونی و قیود مذکور در قانون باشند.

^۱ علاوه بر ماده ۵۶ که یکی از ضمانت های اجرای ماده ۵۵ در مورد تفتش اشخاص، اشیاء و امکنه محسوب می شود، ماده ۵۸ نیز یکی از ضمانت های اجرای ماده مذکور در مورد تفتیش امکنه می باشد (تحلیل ماده به ماده، ص ۵۷)

۵-۳-۲) حق بر اصلاح و درمان

مبنای سیاست اصلاح و درمان رویکرد حقوق بشری است. در واقع سیاست اصلاح و درمان یک سیاست انسانی و حقوق بشری است؛ زیرا بر اساس مبانی حقوق بشر دولتها ضمن رسیدگی و اعمال مجازات موظف به رعایت کرامت انسانی هستند.

بازپروری بزهکاران یکی از سازوکارهایی است که سیاست گذاران جنایی ایران از رهگذر مقررات فراقضایی، تقنینی و فروتقنینی، آن را مورد توجه قرار داده اند؛ به گونه ای که اکنون می توان در گستره مقررات ایران از «حقوق بازپروری بزهکاران» سخن گفت.

باز پروری بزهکاران برای نخستین بار در قالب درمان پزشکی مجرمان از سوی بنیان گذاران مکتب تحقیقی مطرح شد. آنان عقیده داشتند بزهکاری نوعی بیماری زیستی سرشتی ست که باید با استفاده از مجازات، به درمان این دسته از افراد مبادرت ورزید. بدین سان بازپروری مجرمان از نظر بنیان گذاران مکتب تحقیقی، به ویژه سزار لامبروزو، به اقدام های درمانی پزشکی محدود می شود. به تدریج با گسترش مطالعات و یافته های جرم شناختی، گستره مفهوم این پدیده وسیع تر شد. بدین شکل که بزهکاری نه فقط به عنوان یک بیماری و پدیده ای زیستی سرشتی بلکه به عنوان آسیب اجتماعی و پدیده ای انسانی اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. این امر سبب شد تا گستره باز پروری بزهکاران از درمان پزشکی تا درمان اجتماعی ادامه یابد. بدین ترتیب تحت تأثیر تحولات جرم شناختی، جنبه اصلاحی درمانی کیفر بیش از جنبه سزادهی آن مورد توجه نظام عدالت کیفری قرار گرفت. به گونه ای که حقوق کیفری سزادار جای خود را به حقوق کیفری درمان گرا سپرد. سیاست مدار جنایی از رهگذر شماری از اسناد الزام آور و ارشادی به بازپروری بزهکاران اشاره نموده است تا بدین ترتیب دولت ها به سمت اتخاذ تدابیر و اقدام های اصلاحی درمانی هدایت شوند.

پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سال ۱۹۴۸، قواعد حداقل چگونگی رفتار با زندانیان سال ۱۹۵۵، پیمان نامه حقوق کودک ۱۹۸۹ و پیمان نامه مبارزه با فساد سال ۲۰۰۳ نمونه های از این اسناد هستند. بنابراین نویسندگان اسناد بین المللی تحت تأثیر آموزه های جرم شناسی بالینی در کنار سرکوب گری بزهکاران، دوباره تربیت کردن آنان را مورد توجه قرار داده اند.

تصمیم گیرندگان سیاست جنایی ایران نیز با الهام از آموزه های جرم شناسی بالینی تلاش کردند تا جنبه اصلاحی درمانی کیفر را در پاسخ به برخی از گونه های جرائم مورد توجه قرار دهند از این رو نویسندگان قانون اساسی سال ۱۳۵۸ در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و تدوین کنندگان مقررات تقنینی و فروتقنینی به پیروی از آنان، بازپروری بزهکاران را در شماری از قوانین، آیین نامه ها، اساسنامه ها و دستورالعمل ها به عنوان اهداف و وظایف دستگاه قضایی و اجرایی پیش بینی کرده اند.

باز پروری بزهکاران امروزه بر اساس یافته های شماری از پژوهشهای جرم شناختی مورد تردید قرار گرفته است. به گونه ای که برخی از جرم شناسان با طرح اندیشه کیفرهای استحقاقی، دوری جستن از الگوی اصلاحی درمانی و گرایش دوباره به الگوی بازدارندگی را، تنها راهکار مبارزه با افزایش میزان تکرار جرم می پندارند. با وجود این، عده ای از جرم شناسان، اندیشه و سیاست های اصلاحی و درمانی را مناسب ترین تدبیر برای پیشگیری از بزهکاری دوباره مجرمان تلقی می نمایند؛ زیرا آنان بر این باورند که دلیل شکست جرم شناسی بالینی را فقط باید در نبود ابزارها و امکانات جست. بنابراین دست اندر کاران نظام عدالت کیفری همواره برای پاسخ دهی به بزهکاران، از کیفرهای بالینی به جای کیفرهای سرزنش گرا استفاده می کنند تا با توجه به نیازهای روانی، جسمانی و اجتماعی مجرمان پاسخ های کیفری متناسب با شخصیت آنان اعمال گردد. (نیازپور، ۱۳۸۵: ۱۴۷)

پس به طور کلی، توجه جدی به اصلاح مجرمان با پیدایش مکتب تحقیقی مطرح شد. سیاست اصلاح و درمان یک رویکرد انسانی است که متأثر از یافته های جرم شناسی بالینی و درمان مجرم، بازگشت وی به زندگی عادی و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط وی در آینده موضوعیت دارد. این سیاست از مجرای حفظ و نگهداری مجرم در جامعه و تحت درمان قرار دادن او، سیاست طرد و حذف بزهکاران را از جامعه کنار زده و در صدد آن است که تبیین نماید بزهکار یک بیمار نیازمند درمان می باشد. (کونانی و بیگدلی، ۱۳۹۰: ۱۳)

در حقوق کیفری ایران و نصوص قانونی موجود می توان امارات و نشانه هایی از نفوذ و رسوخ سیاست اصلاح و درمان را مشاهده کرد. اصلاح و بازپروری بزهکاران یکی از بنیادهای سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران است که بنیان آن بر بند ۵ اصل ۱۵۶ ق.ا مبنی است.

باز پروری بزهکاران، رویکردی است که به منظور پذیرش مجدد بزهکار در جامعه، توأم با عدم پذیرش رفتار جنایی وی، ترسیم و اجرا می گردد. در این رویکرد، رفتار جنایی بزهکار طرد می شود، ولی خود فرد به عنوان شخصی که بنا به دلایلی مرتکب جرم شده و بنا به ذات پویایش، امکان تحول و بازگشت به زندگی اجتماعی را دارد، موضوع تدابیر باز پرورانه قرار می گیرد تا بتواند به زندگی جمعی بازگردد.

اصلاح و درمان بزهکاران دربردارنده این معناست که بزهکار پیش از ارتکاب جرم، توانایی های لازم برای شهروندی مولد و مؤثر بودن را برخوردار بوده ولی به دلایلی که بعضاً قابل تشخیص و کشف است، به سمت بزهکاری کشیده شده است. (کونانی و بیگدلی، ۱۳۹۰: ۱۴)

با وجود آنکه قانون گذار ایران در اصل ۱۵۶ ق.ا به صراحت اصلاح مجرمان را پذیرفته است، اما مشخص نیست که منظور قانون گذار اصلاح مجرمان از طریق چه نهادی است، مجازات یا...؟!

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد؛

۱- فلسفه ایجاد زندان‌ها با توجه به سابقه تاریخی که داشته اند تنبیه مجرم و بازدارندگی برای سایر افراد جامعه می‌باشد. از آنجایی که زندان شدیدترین نوع مجازات از بین مجازات‌هایی است که برای مجرمان در نظر گرفته شده است از یک طرف می‌تواند به آبرو و حیثیت و از طرفی دیگر به آینده فرد لطمات زیادی وارد نماید موافقان و مخالفان این نوع مجازات‌ها نظرات بیان کرده اند. از آنجاییکه زندان قبل از جاهلیت و حتی بعد از ظهور اسلام وجود داشته است اما با تأکید بر حقوق متهم که در ادوار مختلف این حقوق گاهی به رسمیت شناخته شده و گاهی آنرا زیر پا گذاشته اند.

۲- زندان اوین یکی از مشهورترین زندان‌های ایران است. این زندان در منطقه اوین درکه در منطقه ی سعادت‌آباد، تهران قرار دارد. یکی از معماران زندان اوین امیر نصرت منقح بود. ساخت این زندان در زمینی به مساحت ۴۰ هکتار از دهه ۱۳۴۰ آغاز شد و در سال ۱۳۵۰ افتتاح شد. زندان اوین امروزه رسماً عنوان بازداشتگاه موقت را دارد. زمینی که در آن زندان اوین ساخته شده‌است، سابقاً خانه سید ضیاءالدین طباطبایی، روزنامه‌نگار و نخست‌وزیر ایران بود. حکومت ایران مدعی‌ست که زندان اوین دارای یکی از مجهزترین کتابخانه‌ها در میان زندان‌های ایران است. برخی از بندهای این زندان زیر نظر قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران نبوده و توسط سایر نهادها اداره می‌شود. برای مثال بندهای ۲۰۹ و ۲۴۰ این زندان که دارای سلول‌های انفرادی و چند نفره (موسوم به سوئیت) است در اختیار وزارت اطلاعات است. و بند ۲ الف آن زیر نظر سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد. تردد و حضور زندانیان سیاسی خارج از سلول‌ها فقط با داشتن چشم‌بند ممکن است.

۳- پیش از انقلاب اسلامی ایران، اوین مستقیماً توسط ساواک اداره می‌شد. با آنکه ساختمان اولیه زندان شامل بیست سلول انفرادی و دو بند عمومی فقط برای ۳۲۰ نفر ساخته شده بود، در طی سال‌های بعد به ساختمان‌های زندان چند بار اضافه شد به طوری که در سال قبل از آغاز انقلاب تعداد سلول‌های انفرادی تا پنج برابر (یعنی یکصد سلول انفرادی) در بند ۲۰۹ افزایش یافت. همین بند سه طبقه شامل شش اتاق بازجویی در زیرزمین آن بود. یک حیاط اعدام، یک دادگاه، و بندهای جداگانه برای زنان و زندانیان عادی هم ساخته شدند. مجموع این ساختمان‌ها دارای ظرفیت اسمی بالای یک هزار و پانصد نفر بودند اما تعداد زندانیان اوین بیش از دو برابر این ظرفیت اسمی بود. شرایط زندان اوین از نظر سختگیری با زندانیان به مراتب بدتر از زندان‌های بزرگ دیگر ایران بود اما از نظر غذا و سرویس‌های بهداشتی بهتر بود. زندانیان سیاسی از طیف‌ها و گروه‌های مختلف مخالف حکومت پهلوی بودند. مسن‌ترین زندانی سرتیپ علی اکبر درخشانی بود که در ۷ فروردین ۱۳۵۷ در سن ۸۲ سالگی توسط ساواک دستگیر شد و همان شب در زندان اوین درگذشت.

۴- حقوق متهمان در بازداشتگاه اوین همانند سایر حقوقی است که قانونگذار در آیین دادرسی کیفری ۹۲ پیش بینی کرده و برای همه متهمان لازم الاجرا و اجرایی می‌باشد که متهمان در بازداشتگاه اوین از این حقوق بهره مند هستند. اولین حق متهم اصل کرامت انسانی و اصل برائت است که باید توسط ضابطان قوه قضائیه و مسئولان بازداشتگاه اوین رعایت گردد که سلب این حق ضمانت اجرای کیفری برای ایشان در پی دارد.

۵- قانون آیین دادرسی کیفری، تحولاتی را در مورد حقوق متهم ایجاد کرده است. ولی در این باره باید به چند نکته توجه داشت. در مورد مرحله تحت نظر، ضابطان دادگستری در بازداشتگاه اوین پس از تحت نظر قراردادن اشخاص، مکلف به تفهیم حقوق آنان از قبیل حق تماس تلفنی با بستگان و حق ملاقات با وکیل شده اند. پیش بینی این حقوق بدون وجود سازوکارهای لازم می‌تواند مشکلات بسیاری را در عمل برای دادسرا و به ویژه ضابطان در پی داشته باشد زیرا در شرایطی که هیچ مقرراتی وکیل شخص تحت نظر را از دادن اطلاعات مربوط به مطالعه صورت جلسات پرونده تحقیقاتی به اشخاص دیگر (شرکا و معاونین) منع نمی‌کند، ضابطان را در انجام تحقیقات خود و کشف جرم با مشکل روبه رو می‌کند.

۶- در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز، وکیل متهم، حق دخالت فعال دارد و از حق دسترسی به پرونده کیفری به همراه موکل خود در تمامی مدت مرحله تحقیقات مقدماتی بهره مند شده است. بی تردید، شخص متهم می‌تواند با مطالعه پرونده از هویت شهود پرونده آگاه شده و در موارد لزوم، آنان را تحت فشار قرار دهد. به این ترتیب، آیا امکان مطالعه پرونده کیفری توسط متهم - نه وکیل او - احساس ناامنی شهود پرونده را در پی نخواهد داشت؟ هدف آیین دادرسی کیفری از یک سو تضمین دفاع از جامعه در برابر جرم و از سوی دیگر، رعایت حقوق افراد (بزه دیده و متهم) در فرایند رسیدگی کیفری است. اگرچه نظام تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی به طور سنتی مدت ها این توازن را به سود حقوق جامعه برهم زده است، آیا زیاده روی در مورد پیش بینی برخی حقوق متهمان، بدون در نظر گرفتن سازوکارهای لازم برای اجرای آن، سنجیده است؟ از سوی دیگر، برخی تحولات مثبت کشورهای دیگر که به توافقی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی و تساوی سلاح‌ها بین طرف‌های دعوا در این مرحله انجامیده موردنظر قانونگذار قرار نگرفته است. برای نمونه، در موارد رد

درخواست متهم برای انجام اقدام یا تحقیقی که به کشف حقیقت کمک می کند (تحقیق، معاینه محل، کارشناسی و...)، بازپرس به صدور قرار مستدل که بتوان در مرجع بالاتر به آن اعتراض کرد ملزم نشده است.

۷- از نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، جامه عمل پوشاندن به این نوآوری های قانونی نیازمند ساز و کارهایی است که نسبت به ایجاد آنها هنوز توجه کافی نشده است. تصویب بودجه مناسب در راستای تعیین وکیل رایگان برای متهمانی که توان مالی مناسب برای انتخاب وکیل ندارند، پیش بینی صندوق جبران خسارت مدت بازداشت شخص بی گناه، تدوین آیین نامه های اجرایی مربوط، آموزش ضابطان با هدف آشنا ساختن آنان با نوآوری های قانون جدید، ایجاد فرهنگ سازی برای ضابطان و مقام های دادرسی در راستای پایبندی به قانون مندی و پرهیز آنان از اجرای این نوآوری ها، شرط موفقیت نهادهای آیین دادرسی کیفری است.

۸- قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بی تردید، گام های مهمی را در راستای رعایت حقوق و آزادی های فردی و کرامت انسانی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است. این تحولات، چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست که به موجب آن، کنشگران فرایند کیفری به رعایت اصول دادرسی منصفانه و تأمین حقوق دفاعی متهمان مکلف می شوند. در واقع دل نگرانی رعایت کرامت انسانی شهروندان در دادگستری در مراحل مختلف فرایند رسیدگی کیفری به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی موجب تصویب این مقررات توسط قانونگذار شده است.

فهرست منابع

الف) کتب فارسی و عربی

- ۱) قرآن کریم
- ۲) ابن ابی یعقوب، (۱۳۴۷)، تاریخ یعقوبی، ترجمه آیتی محمد ابراهیم، ج اول، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳) احمد المقدی الضومی، (۱۴۰۵ ه.ق)، مصباح المنیر، چاپ اول، (قم: موسسه دارالجهره).
- ۴) احمدی، اشرف، (۱۳۸۹)، قانون دادگستری در شاهنشاهی ایران، تهران، وزارت فرهنگ و هنر.
- ۵) ارجان کلی، (۱۳۸۲)، تاریخ مختصر تئوری حقوق در غرب، محمد راسخ، تهران طرح نو.
- ۶) انصاری، باقر، (۱۳۸۸)، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶، زمستان ۸۸.
- ۷) آئین نامه اجرایی سازمان زندانهای کشور مصوب ۱۳۸۴/۷/۲۰، ۱۳۸۶، تهران: انتشارات راه تربیت.
- ۸) بند ریگی، محمد، (۱۳۷۹)، منجد الطلاب، (ترجمه)، ج ۳، تهران، اسلامی.
- ۹) پروفیسور آرنوز کریستین سن، (۱۳۸۰)، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ترجمه مجتبی مینوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به نقل از آوا واحدی نوایی، نظام جزایی ایران در عصر ساسانیان، تهران، میزان، چاپ اول.
- ۱۰) تاج زمان، دانش، (۱۳۸۶)، مجرم کیست جرم شناسی چیست، تهران: انتشارات مؤسسه کیهان.
- ۱۱) جان کلی، (۱۳۸۲)، تاریخ مختصر تئوری حقوق در غرب، محمد راسخ، تهران طرح نو.
- ۱۲) جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۶۹)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات ابن سینا.
- ۱۳) جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران: نشر گنج دانش.
- ۱۴) جولوس، کولب، ویلیام و گولد، (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام و دیگران، تهران: انتشارات مازیار.
- ۱۵) حرعاملی، محمد بن حسن، (بی تا)، وسائل الشیعه، ج ۱۹، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- ۱۶) خالقی، علی، (۱۳۹۴)، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ پنجم.
- ۱۷) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه (فرهنگ دهخدا)، (۱۳۷۷)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ اول، تهران: چاپخانه مجلس (۱۳۷۷)، جلد ۲۰، صص ۷۳۷-۷۳۹.
- ۱۹) راوندی، مرتضی، (۱۳۹۷)، سیر قانون و دادگستری در ایران، سرچشمه، به نقل از علی مسلمی، حق دفاع متهم در فقه امامیه و قوانین موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق.
- ۲۰) رحمدل، منصور، (۱۳۸۳)، حق انسان بر حریم خصوصی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷، زمستان ۸۳.
- ۲۱) رحیمی نژاد، اسماعیل، (۱۳۸۰)، آشنایی با حقوق جزا و جرم شناسی، تبریز: انتشارات فروزش.
- ۲۲) زیدین علی عاملی (شهید ثانی)، (۱۴۱۰ ه.ق)، الروضه البهیة فی شرح الممعه، ج ۹، قم، دآوری، چاپ اول.
- ۲۳) ساقیان، محمد مهدی، (۱۳۹۳)، تقویت حقوق و آزادی های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری سال دوم، شماره ۶، بهار ۹۳.
- ۲۴) ساکت، محمد حسین، (۱۳۸۴)، دادرسی در حقوق اسلام، تهران: نشر جنگل.
- ۲۵) ساکت، محمد حسین، (۱۳۸۲)، دادرسی در حقوق اسلامی، تهران، میزان، چاپ اول.
- ۲۶) ساکت، محمد حسین، (۱۳۹۰)، نهاد دادرسی در اسلام، مشهد، آستان مقدس رضوی.
- ۲۷) ساکت، محمد حسین، (۱۳۸۴)، دادرسی در حقوق اسلام، تهران: نشر گنج دانش.
- ۲۸) سرخسی، شمس الدین ابوبکر، (بی تا)، المبسوط، ج ۱۹، بیروت، دار المعرفه، به نقل از مهدی مهدی زاده، سازمان دادرسی در صدر اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۹) سعید الخوزی الشرتونی البنانی، (۱۳۰۳)، اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد، (قم: کتابخانه آیت اله مرعشی، جلد ۱).
- ۳۰) سلمان کونانی، محمدرضا سلطانی بیگدلی، (۱۳۹۰)، اصلاح و درمان مجرمین در حقوق کیفری ایران، نشریه تعالی حقوق، شماره ۸ و ۹، بهمن و اسفند ۹۰.
- ۳۱) سلیمی، صادق و بخشی زاده اهری، امین، (۱۳۹۳)، تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق، انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ دوم.
- ۳۲) سنهوری، عبدالرزاق، (بی تا)، مصادر الحق فی الفقه الاسلامی، بیروت: دار الفکر، جلد ۱.
- ۳۳) سیموس بریث ناچ، (۱۳۷۸)، جرم و مجازات از نظر گاه امیل دورکیم، ترجمه محمد جعفر ساعد، تهران: انتشارات خرسندی.

- (۳۴) شمس، علی، (۱۳۸۱)، طرح ایجاد زندان های خصوصی در ایران، مرکز آموزشی پژوهشی سازمان زندانها .
- (۳۵) شوشتری، محمد تقی، (۱۴۰۳.ه.ق)، قضا و امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام، بیروت الأعلمی للمطبوعات، چاپ دهم.
- (۳۶) عبدالقادر عوده، (بی تا)، التشریع الجنائی الإسلامی، قاهره، دارالعروبه.
- (۳۷) فضائلی، مصطفی، (۱۳۸۷)، دادرس عادلانه : محاکمات کیفری بین المللی، چاپ اول تهران : موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- (۳۸) قاسمی، ناصر، (۱۲۸۳)، جزوه درسی حقوق جزای عمومی ۱، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، دوره کارشناسی.
- (۳۹) قاسمی، ناصر، (۱۲۸۳)، جزوه درسی حقوق جزای عمومی ۱، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، دوره کارشناسی.
- (۴۰) کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، چاپ اول، تهران : شرکت سهامی انتشار، جلد ۱.
- (۴۱) کتاب مقدس، (۱۹۸۷م)، ترجمه انجمن کتاب مقدس، چاپ سوم، تهران، ایران.
- (۴۲) گرچی، ابوالقاسم، (۱۳۹۱)، حق و حکم و فرق میان آنها، مجله فصل نامه حق دادگستری جمهوری اسلامی ایران، دفتر یکم فروردین و خرداد.
- (۴۳) گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۵)، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات میزان.
- (۴۴) گودرزی بروجردی، مقدادی، محمدرضا، لیلا، (۱۳۸۶)، تهران، تاریخ تحولات زندان، گرایش برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران.
- (۴۵) ماهنامه اصلاح و تربیت، سازمان زندان ها، (۱۳۸۸)، تهران: انتشارات مرکز توسعه خدمات آموزش و پرورش بنگاه تعاون و صنایع زندانیان، سال ششم، شماره ۷۶.
- (۴۶) مجیدی بیدگلی، کبری؛ صفاکیش کاشانی، سمیه، (۱۳۸۹)، آسیب های ناشی از مجازات زندان، مجله: گواه، شماره ۱۱ .
- (۴۷) محمد ابن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، (۱۴۰۴.ه.ق)، من لایحضره الفقیه، ج ۴، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، حدیث ۵۷۹۸.
- (۴۸) محمدی گیلانی، محمد، (۱۳۹۱)، حقوق کیفری اسلام، چاپ اول، تهران: انتشارات مهدی.
- (۴۹) مسعودی، مروج الذهب، (۱۳۵۶)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.
- (۵۰) مکی، حسین، (۱۳۵۷)، دیوان فرخی یزدی، زندان و زندانی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- (۵۱) مؤذن زادگان، حسنعلی، (۱۳۷۳)، حق دفاع متهم در آئین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- (۵۲) موسوی اردبیلی، عبدالکریم، (۱۴۰۸.ه.ق)، فقه القضا، چاپ اول، قم : کتابخانه امیر المومنین.
- (۵۳) موسوی اردبیلی، عبدالکریم، (۱۹۰۸.ه.ق)، فقه القضاء، قم، مکسورات مکتبه امیرالمومنین، چاپ اول.
- (۵۴) مولایی نیا، علی، (۱۳۸۳)، جزوه درسی تاریخ اسلام، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، دوره کارشناسی.
- (۵۵) میر خلیلی، محمود، (۱۳۸۰)، بزه دیده شناسی پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام، فقه و حقوق شماره ۱۱.
- (۵۶) نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم شناسی، تهران: انتشارات گنج دانش.
- (۵۷) نجفی توانا، حسین، (۱۳۸۷)، جزوه روانشناسی قضایی، مرکز آموزش بدو خدمت قضات تهران.
- (۵۸) نجفی، محمدحسن، (۱۳۹۸.ه.ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- (۵۹) نیازپور، امیر حسن، (۱۳۸۵)، بازپروری بزهکاران در مقررات ایران، نشریه فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۵.
- (۶۰) وروائی، اکبرو بهرامی پور، رسول، (۱۳۹۴)، الزامات ضابطین دادگستری در رابطه با حفظ حقوق شهروندی در نظام حقوق کیفری ایران، نشریه کارگاه، سال هشتم، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۴ .
- (۶۱) ویل دورانت، (۱۳۶۹)، تاریخ تمدن ، ج ۴، ترجمه آریان پور، تهران ، اقبال.
- (ب) سایت ها
- (۱) سید محمد ظاهر محمدی، (۱۳۹۰) انجمن علمی و پژوهشی فقه قضایی).....
- (۲) <http://www.aftabir.com> : فرناز قلعه دار ۱۳۹۶.....
- (۳) <http://www.tebyan.net> بخش تاریخ ایران و جهان، ۱۳۹۳، سایت تبیان.....
- (۴) <https://fa.wikipedia.org> سایت ویکی پدیا، ۱۳۹۶.....
- (۵) <http://shahrivandi.blogspotsky.com> سایت مرکز توسعه راهبردی حقوق شهروندی ۱۳۹۱